

بروجرد

از تشریح یک در روزنامه این ولایت نوشته اند و
 امیرزاده جلال الدین میرزا نایب الحکومه بروجرد و غیره
 نواب مستطاب شاهزاده و االاتبار حشام الدوله نهایت
 مراقبت و اهتمام را در انتظام امور ولایت و حصول رفاه و
 آسودگی رعیت دارند و از وقتی که نواب حشام الدوله نسبت
 عربستان رفتند تا این اوقات از انتظام و حسن مراقبت
 نواب نایب الحکومه امور آن ولایت همه چه انتظام کامل دارد
 و عمل سرفت که در آن ولایت بقا شیوع داشت بجای موقوف
 شده و اقیقت تمام بجهت اعلیٰ آنجا حاصل است و مردم بشکر آن
 و دعاگوئی ذات مقدس هایون اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که غله و سایر اجناس در آن ولایت تسخیر
 بهم رسانده بود و مردم بسیار شوش و پریشان خاطر بودند
 تا اینکه در ششمانی ماه شعبان الی بیستم بارندگی فراوان
 علی التوالی در بروجرد و اطراف شده و نرخ اجناس نیز
 تنزل نمود و بعد از آن هم روز بروز و باز زانی است
 چه گندم که سابقا خریداری دو تومان و پنجاه گرم یا سه بود
 بدست می آمد در این اوقات در چهارده هزار و پانزده هزار
 نهایت و فوراً دارد و اعلیٰ آن ولایت ازین نزول باران
 رحمت الهی و فیوضات لایتناهی جانی تازه یافته و زمین
 سرسبزی انداز شده اند و اغلب سنگنه بلوکات دور زمین
 آنجا که از توش خشک الی از اماکن خود متفرق شده و بشهر
 بروجرد و جایهای دیگر رفته بودند در این اوقات باطنیان
 خاطر با وطنان مسکن خود مراجعت کرده بر یک مشغول
 کسب و کار و رعیتی خود میباشند

۱۴۱۸

دیگر نوشته اند در این اوقات که شده شکست قشون
 اورکجنی در شرس از دربارهایون بروجرد رسید نواب
 نایب الحکومه و محسوم اعلیٰ آنجا از وضع و شریف لوازم
 شکرانه و شادمانی و دعاگوئی ذات مقدس هایون رتبه
 نموده بودند

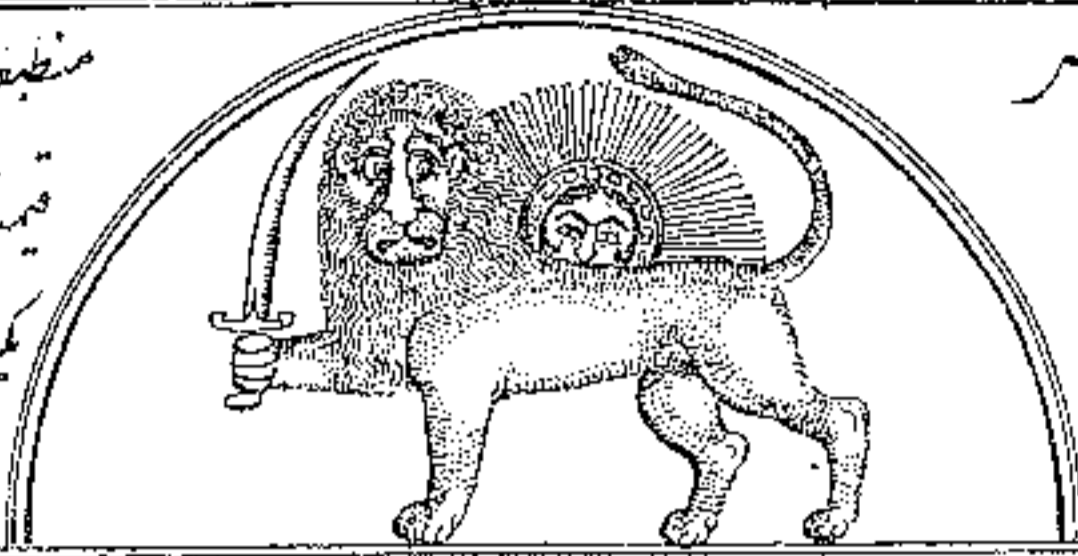
دیگر نوشته بودند در این اوقات که ایلات لرستان از
 کرسیات حرکت کرده نسبت میلاقات میروند نواب
 نایب الحکومه نهایت اهتمام را نموده اند که مابین آنها در
 سر محل و خلف چر زاعی نشود ایلات بپرانند در سر محل را
 مابین خود نزاعی کرده بودند نواب نایب الحکومه عالیجاه میرزا
 که خدا را با چند نفر از ریش سفیدان فرستادند که مابین آنها
 اصلاح داده و محسلی که در سر آن نزاع کرده اند تحقیق و
 شود مال هر طرف که باشد مالک و اگر نموده واری
 به بند که رفع منازعه آنها بشود

عربستان

از تشریح یک در روزنامه این ولایت نوشته اند بعد از
 خرابی سده ناصری بسیاری از رعایای آنجا حت سال بود
 که با اطراف متفرق شده بودند در این اوقات که سدنا
 از زمین طالع فیروز می مطالع اقدس هایون شاهنشاهی
 و اهتمام اولیای دولت علیه حسن مراقبت و سعی و کوشش
 نواب شاهزاده حشام الدوله در کمال استحکام بسته شده
 و آب بجزیره جاری گردید رعایای مزبور بخص استحضار معادد
 با آنجا نموده مشغول فلاحیت و زراعت و عمارت و آبادی
 میباشند و غریب شاه الدجلب آبادی خواهد در آمد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه یوم چهارم ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۱

نزهت بیت و شر
قیمت روزنامه
یک نسخه دوازده ماهه
هفتاد و چهار هزار



منظف و آراخته طهران
قیمت اعلانات
کمتر از چهار سطر که هزار
بیشتر با هر سطر پنج هزار

اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات که ایام صیام است علماء و فضلاء و مستن
و عموم اهالی دارالخلافه مبارک در مساجد و محابد مشغول طاعات
و عبادات و موعظه و نماز جماعت میباشند و امسال الی حال
نسبت بسالیهای دیگر بجهت برودت و خوشی هوا بسیار
خوش گذشت است و تا این اوقات هوای دارالخلافه
طهران بسیار خوب است و هیچ نسبتی بسالیهای گذشته
ندارد چاکران دربار جایون و نظام نصرت فرجام چنانچه
در روزنامه گذشته نوشته شده از التزام خدمت در
خانه روزنار آنچه عبادت و استراحت معاف و مرخص
میباشند و شبهارا چنانچه مقرر گردیده است جناب
امجد ارفع الخیم صدر اعظم در دربار خانه مجلس افطار دارند
و اشخاصیکه بمرتب خدمت مستند و مجلس جناب معظ
بعد از افطار بر کس مشغول انجام خدمات بخود بوده و سابق
بزرگان نظام و باشیان دربار جایون هر یک که در دربار
منزل و اطاق دارند چنانچه مقرر است وقت افطار در اطاق
خود نشسته تا دو ساعت بطول فخرمانده در دربار خانه بنیاد

خودشان بخدمات محوله و امورات اتفاق مشغول هستند
میدان جدید را که حال دو سال است قرار اجتماع کسبه و اصناف
در ما و مبارک بجهت داد و ستد در اینجا است درین اوقات حاد
علاوه بر حجرات بلور فروشی و غیره اطراف میدان مزبور که کمال
و آراستگی را دارند در فضای آن نیز ترتیب دکاکین و تبتیه
بساط اندازی نموده اند و تجار و اصناف قش و انفاس کران
با نجا آورده داد و ستد میکنند و اکثر دکاکین نزدیک میدان
مزبور هم تا نزدیک طلوع فجر باز است و این در بخانه و غیره
جهت عرض مطالب و انجام امورات خودشان الی صبح آمدند
بهمه جا است

نظر بطور رحمت و عنایت خاطر اقدس بیرون علی حضرت شایسته
در باره نواب شاهزاده و الا تبار عبد الصمد میرزا و توجه ضمیر
تجربه برزیت نواب مغزی الیه درین اوقات حکومت قزوین
با و رحمت فرمودند و عالیجاه مقرب الخاقان حاجی حسن علی خان
خونی اجدوان باشی سابق را که بحسن کفایت و صداقت و کاروان
موصوف است بمنصب وزارت نواب مغزی الیه و پیشکاری
اجام امور فرمودند و در زمان التفات و خلعت رحمت گردیده

۱۴۱۹

این روز بمقر حکومت روانه میشوند

باقضای کمال محنت و عنایت در باره نواب شاهی است
و ظهور کفایت و کاردانی حسن سلوک و مردم داری نواب
سفری الیه از قرار صد و پنجاه نفر از هر لجان هیون حکومت
و نویسندگان ایشان محنت و عنایت و خلقت اقباط طلعت
نیز از چهار خانه هیون القعات شد و همین روز از
رکاب مبارک بمقر حکومت خواهند رفت

چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شد بعضی از
افواج که در دارالخلافه مشغول خدمت قراولی و غیره بودند
با اینکه وقت مواجب آنها بود محض محنت ملوکانه مقرر نمودند
مساعده بانه داده شده و نیز چند دست از توپچیان که
قدری از مواجب آنها باقی مانده بود درین اوقات که امام
سیام است باستحضار شکر نویسان عظام و مقرر انجان
فضان آفای میر آنچه توپخانه مبارک که هر روزه دست از آنها
حاضر کرده مواجبان را در اطراف نظام میر دارند

چون امنای دولت علیه اهتمام تمام در رساندن مواجب
خصوصاً آنها که در سرحدات مشغول خدمت و خلوی میباشند
دارند لهذا بعضی از سرحدات که مالیاتش کفایت مواجب
نوکرا انجام نمیکند از دربار هیون خواه نقد مصحوب آدم این
روانه نمایند که در آنجا نوکر رسامه قبض وصول گرفته
بیاورد و از جمله از جهت مواجب نوکر استرآباد از نظام و غیره
این اوقات سه هزار تومان مصحوب یک نفر صاحب منصب
نظامی و عالیجاه همراهم کاشته مقرب انجان محمد و لجان
بیکریکی استرآباد روانه نموده باستحضار بیکریکی نوکر انجان
قبض وصول آنرا گرفته بنظر اولیای دولت علیه برسانند

در این اوقات چهارده نیر سسر از اشرف بلوچیه
که تفصیل آن در روزنامه هفتگی گذشته نوشته شد
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بدر بار هیون
روانه نموده بود از حضور مبارک گذشته عالیجاه نصر الله
یا در سپهر عالیجاه میرزا کوچک خان مرکنه و سایر نامورین
که درین جنگ جلالت و رشادت بطل آورده بودند
مورد تحسین ملوکانه گردیدند

عالیجاه مقرب المحضره العلیه قاسم خان که از جانب
هیون بر تبه کار پردازی اول که ببلقبت این اور و با مراد
معنی جنرال قونسولی است در تقییس قامت داشت
حکم هیون برکاب مبارک احضار و روز شنبه ۹ ماه
که روز ورود عالیجاه شاره الیه بدر بار هیون بود چون
اوقات توقف تقییس با کمال کاردانی و کفایت و عقل
درایت سلوک و رفتار کرده و خاطر محنت منظر ملوکانه
از نظر خدمت و صداقت خود قرین رضامندی و تحسین

داشته بود بچشم هیون از دایره وزارت امور خارجه
و سایر چند نفر صاحب منصبان با شان باسی نفر نظام
ویوز باشی با استقبال او تا خارج شهر در انخلاقه بیرون
رفتند و با قضای دوستی و مودت فیما بین دوستان
ایران و روس از سفارت دولت بهیه روستیه
چند نفر صاحب منصب با استقبال رفقه عالیجاه شاره الیه
با کمال عزت و احترام شرفیاب در بار هیون گردیدند
پس از شرفیابی خاکپای هیون باقضای رضامندی
خاطر مبارک که از خدمات او کمال محنت و عنایت
با دیده دل شده هم چنین جناب جلالت ماب شرف محمد

۱۲۲۰

ارفع الختم صدر اعظم نیز بقضای خدمت و مدت
 و کار دانی و کفایتی که از عالیجاه مشارالیه ظاهر شده بود
 محبت و مهربانی و اظهار رضامندی از عالیجاه مشارالیه نمود
 از قراریکه مأمورین دولت علیه مقیمین همکامک خارجین
 نگاشته اند و کلاهی دولت متخاصمه در شهر وین پایتخت
 دولت بهینه بنا مجتمع گردیده و در خصوص مسئله حاضر
 چه مجلس گفتگو کرده و همه از جانب دولت متبوعه خود
 اظهار کمال میل بانفا و مصاحبه و رفع موجبات منازعه و
 محاصره نموده اند از ایترا چنان استبناط میشود که امر مصاحبه
 بزودی مست انجام پذیرد و کیفیت جنگ که خالی از
 شبیه شبهه و تردید ضرر عمومی از برای عاقبت دول روی زمین
 که مخیت در منازعت دارند یا ندارند بجلی مرتفع گردد و
 چون دوام این جنگ مایه عدم رونق تجارت و ضرر تجارت
 این دولت نیز بوده و خواهد بود اولیای این دولت
 در کمال امیدواری منتظرند که بزودی کار مصاحبه بگذرد
 و کفایت سابق رونقی در امر تجارت و اطمینانی از برای
 و تجارت این مملکت عموماً حاصل شود

سایر ولایات

عربستان از قراریکه در روزنامه این ولایت
 امورات آنجا از حسن مراقبت و اهتمام نواب مستطاب
 شاهزاده و االاتبار احتشام الدوله خان میرزا صاحب
 عربستان و لرستان و بروجرد و بخشاری نهایت نظام
 وار و نوکر و رعیت هر کس در کار خود مشغولند و نظام
 نصرت فرجام از توپچی و سرباز و سقراط و خیره هر
 در محل مأموریت خود مشغول انجام خدمات محوله میباشند

و این اوقات که موسم آمدن چهارمات به بند محرمه
 چند کشتی برنج و کدوم وارد محسره گردیده است و چهارمات
 دیگر هم از سایر اجناس مناع هند و غیره با آنجا
 آورده بار آنها خالی شده و در عوض خرما و غیره بار کثیر
 کرده میروند و داد و ستد تجارت و غیره در این اوقات
 بسیار خوب رواج دارد با باقی سبب کمال آذوقه قدری
 پریشانی با نالی آنجا روی داده بود لکن در این اوقات
 سبب اینکه هم اجناس از خارج با نوالا بت می آید هم
 سیوریات عشون مأموره آن صفحات را نوالا شایسته
 از خارج با آنها رسانده اند اجناس و آذوقه در نوالا
 و فور هم رسانده و االی آنجا ازین برسد کمال آسودگی
 و شکر گذاری دارند

از قراریکه در روزنامه محسره نوشته بودند چندی
 قبل ازین خواجه محمد نام تاجر شوشتری رفته بود در بصره
 متاعی خرید کرده محل چهارمات نموده قدری از بصره بیرون
 آمده بود قطاع الطریق سحری غلته بر کشتی او ریخته جمیع متاع
 او را فقد جنبشانهیب و غارت برده بودند تا جرم بر نور
 میان آن طایفه رفته فریاد کرده بود که من رعیت دولت
 علیه ایرانم و در تحت اختیار و حکومت نواب شاهزاده
 سببه مطالبه اموال منسوبه خود بنزد شما آمده اجبار میکنم اگر
 متاع مرا فقد جنبشانهیب و کردید بسیار خوب و الا رفته
 خدمت نواب شاهزاده عرض خواهم کرد اعراب مرزبور
 چون کمال حساب و دادرسی نواب منبری البیه امید
 اموال آن شخص را نقد اجناس تمام و کمال بدون کفصا
 آورده با و تسلیم کرده بودند

۱۴۲۱

کرمانشاهان

نواب امیرزاده مرخص کردند

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در اول
 به استهتاشان میل تا مدت یکجا به بارندگی در آنجا نشاند
 و نرخ غلات قدری گران و جنس کم گردیده بود و اهالی
 آنجا از این معنی زیاده در تشویش بودند ولی از غرضه شعبان
 اولیست و پنجم ماه منور بختی بارندگی شده است که
 ششری از مردمان سن مگر بخاطر داشته اند و در وسط بارندگی
 مگر کی بارید است بعضی از آن بقدر نصف تخم مرغ قدری
 از آن مگر کسب خسارت بیاعانت و صیفی رسید
 ولی غله بسیار خوب است و روز بروز از آن سرشود و تسخیر
 آنجا درین اوقات بقدر مسطور ذیل است

از فرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
 عالیجا مقرب انخاقان فصان آقا میرنجه تو پنجاه مبارک
 از عبات عالیات مرحت میکرد از منزل خانقین آدم
 روانه قصر نموده سرباز و سواره عالیجا اسد الله
 قلعه رنجبیری که مشغول حفظ و حراست آن راهها هستند
 عالیجا مشا را لیه راهبرای کرده با همراهم او سالمان
 رسانده بودند ولی بعد از او سپرزاده نواب حیدر قاسمی
 متعاقب روانه شده در سوار راه در قلعه سنبری چند نفر از سواران
 مرادی بسیران ریخته زد و خوردی کرده بودند یک نفر از سواران
 جاف معقول و یک نفر نیز از اهل زوار کشته شده و زوار را
 تاخت و غارت کرده بودند نواب عماد الدوله بعد از استحضار
 بزوار خرجی داده و محبت نموده اند ولیکن چون کمترین وقت
 از رعیت دولت عثمانی بوده اند مسنوز در باره آنها
 حکمی شده است

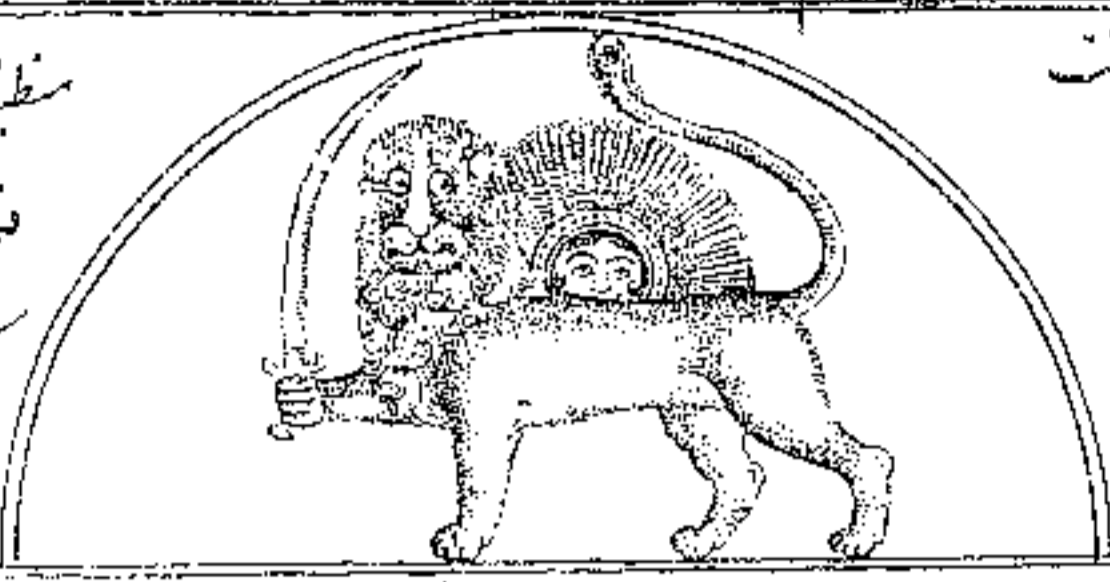
کدم کینوار	دوازده هزار
جو کینوار	هشت هزار
نان کینوار	دوازده ریال
برنج یکمن	ده شاهی
خرما یکمن	ده شاهی
شکر یکمن	سه هزار پانصد
قد اصفا یکمن	هشت هزار

دیگر نوشته اند که در این اوقات نواب علیقلی میرزا سر
 نایب الحکومه سوار کلیانی را آورده خدمت نواب
 عماد الدوله حکمران کرمانشاهان داد و نواب معری
 بدقتسان آنها را دیده تقریباً رسیدگی نمودند و آنحضرا
 با لغات اولیای دولت قایمیه امیدوار نموده مسراه

۱۴۲۲

روزنامه قایم القایه سیاه پنجشنبه یکم ماه رمضان المبارک مطابق سال نو عثمانی ۱۲۷۱

مردودیت بست بخت
قیمت روزنامه
یک نسخه ده سکه
هفتاد و چهار هزار



مطبوعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الا چهار سطر یک هزار
بسیار با هر سطر پنج سطر

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

درین اوقات که ایام صیام است میدان جدید را چادره و تجیرا کشیده و حجرات ترتیب داده و امتداد تقالیم جدیده اند اگر چه چند روز قبل باد شدید آید بعضی از چادره را افکنده و خراب کرد ولی دوباره سرپا کردند و کمال زینت و آراستگی را بهم رسانده است و بیخه روزه داران تفریح و مشغولیت خوب است که مشغول تماشا و داد و ستد میشوند و امر او خوانین در بسا خانه در اینجا اجتماع و ازدحام مینمایند شبهارا تا پنج شش ساعت بازاریان بازاریست و مردم مشغول معاملات و خرید و فروش هستند سکرکارا قدس بجایون شامشای در عمارت بلخ شریف دارند و هر یک از چاکران در بار بجایون را که انجام خدمت و فرمایش بجایون لازم دارند احضار میکنند و این سلام نیز هر کدام که بسلام باید بروند شبهارا حضور مبارک میشوند و تا نزدیک سحر اغلب چاکران و خواجگان و عهده حضور که مصدر خدمت میباشند در دربار حاضر

چنانچه معمول و رسم این دولت علیه است که هر سال در ماه مبارک رمضان اعلیحضرت شاهی تفریح حجرات و دکاکین که بنفایس افشانه و امتداد ایشان و زمین یافتند شریف فرمایند و کسبه و اصناف و صنعت کاران که مقصود اصیبتان از حجیت و ازدحام زیارت و جود نالیق بوجود بجایون است شرف اندوز زیارت و جود مبارک میدهند و از نالیق و بدایع صنایع بعضی حضور مبارک مبرسد و توجه خاطر مظاهر ملوکانه به اتمه و صنایع سبب نریز شود صنعت کاران و باعث رونق و گرمی داد و ستد کسبه و اصناف میگردد و درین سال نیز در روز دوشنبه ۸ ماه رمضان المبارک بعد از ظهر با اساس و احشام ملوکانه بمیدان جدید شرف فرما کردند جناب جلالت آبا امجد ارفع چشم صدر اعظم و سایر امانای دولت علیه و خواص مقربان حضرت کزودن سینه در خدمت اقدس بجایون بودند دکاکین و حجرات میدان نیز بود که مشغول با انواع ظروف بلورالآت و اشیای گوناگون و صنایع غریبه بود که روش فرمودند و شکار کسبه و

۱۴۲۳

و اصناف زیارت وجود فایض بچو دها یون چشم رو
 حاصل نمودند و آنچه از بلور آلات و نفایس گرانها که پسند
 خاطرهایون کردند استیاع و ارباب صنایع را تشویق و اعان
 فرموده بعد از تفریح و تماشای آنجا بارک مبارک که سلطان
 معادوت فرمودند

چون مقرب انخاقان عیسی خان و الی کیدان برکاب مبارک
 آمده بود و حسب الامر معادوت بمقر حکومت خود فرستادند
 لهذا سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی محض مرحمت مواری کقطعه
 نشان شمال هالیون و یکثوب جبه ترمه در حق او مرحمت فرمودند

چون محمد علیخان جو شیر سرتیپ فوج اول خاصه شریفه
 بعنایات عالی درجات رفت در آنجا محاورت
 اختیار کرد لهذا عالیجاه محمد علیخان سرهنگ حوی
 برادر او را بمنصب سرتیپی فوج اول خاصه شریفه
 سراسر از و سرمان همیون و خلعت مرسته

چون مرحوم قاسم خان پشاور سرهنگ فوج اول
 پشاور در مأموریت فارس در بندر بو شهر حرم
 شد لهذا سرکار اعلیحضرت آقا س هالیون شاهنشاهی
 عالیجاه خانم خان پسر عالیجاه کلبعلی خان پشاور
 که جوانی رشید و قابل بود بمنصب سرهنگی فوج مزبور
 منصوب فرموده فرمان مبارک و خلعت مرحمت
 شده مأمور فارس شد که رفته فوج مزبور را
 بیاورد

عالیجاه حیا قلی خان سرهنگ فوج کردی چون
 بسبب امراض مزمنه چشمش مصیوب شده و از قوه
 خدمت باز مانده بود لهذا محض مرحمت منصب سرهنگی
 فوج مزبور را با عالیجاه ملک نیاز خان پسر عالیجاه
 که قابل و شایسته است مرحمت فرمودند و فرمان هالیون
 بشرف صدور مقرر گردید

نظر بسرهنگ ملک سعادت علی خان حاکم درجه پسر مرحوم سلطانخان
 در جری دنا رضامندی نواب شاهزاده فرمانفرمای
 خراسان و مقرب انخاقان وزیر نظام و عموم الهالی درجه
 از او سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی او را از حکومت درجه
 معزول و عالیجاه اللهیار آقای پسر کوچکر مرحوم مزبور را که برکاب
 هالیون آمده بود و مراتب قابلیت و شایستگی او در ردیف
 دولت علیه معلوم و مشهور گشته و الهالی درجه پنجم همگی از طرز
 رفتار و سلوک او رضامندی داشتند بکومت آنجا مرفوز
 فرموده فرمان هالیون و خلعت مرحمت شده این روزها
 رکاب مبارک مرخصی حاصل نموده بمقر حکومت خود حو اهد

باقضای کمال مرحمت و عنایت در باره مقرب انخاقان
 محمود خان سرتیپ و مصلحت گذارد دولت علیه مقیم نظر بلور
 و رضامندی خاطر مرحمت مطا هر لگو گانه از طرز
 سلوک و رفتار و خدمات مشارالیه از فرار
 صد و سرمان هر لعنان مسایون بقب
 بخوابی که از عهد القاب این دولت جاویدت
 علیه است شیرین سر بلدی و منفا خرت گردید

۱۴۲۴

که با کمال دلگرمی و امیدواری مشغول انجام خدمات
محوله بنحو دباشد

جهانگیر خان جبال پاری
شاهسوار خان
نشان سلطان طلا
مواجب
چهل تومان
قطعه

چون چاکران دربار همایون و قشون ظفر مقرون که از
کرمان بتیجیه بند عباس مأمور شده بودند نسبت بانها
التفاتی نشده مگر مقرب انخافان عبداللہ خان میرنجه که
نشان اول میر خکی و حایل سرخ و سفید بجهت او رحمت و امان
شده و در روزنامه گذشته نوشته شد درین اوقات
که مراجعت بکرمان نمودند در حق سایرین نیز انعام و نشان
و مواجب از قرار تفصیل ذیل از جانب سنی ایچوانب ملوکانه

کمال خان سیستان
علاوه مواجب سابق
بیست تومان
عبداللہ خان بیابان
نشان سلطان طلا
قطعه

سیر زلفی اللہ خان باور فوج
کرمان نشان از مرتبه اول پورکا
قطعه
اصولان سیکان ورتو نجان مبارک
نشان از مرتبه اول باور
قطعه

مرحمت شد

سہراب بیگ پیر امامعلی خان پیر
که لقب خان سہرا قرار شده
نشان از مرتبه دوم باوری
قطعه

عالیجاہ امامعلی خان سرنگ کوکچاچہ موسیوسلیمز حکیم قشون
که منصب سیرپی سہرا قرار شده
نشان دوم سیرپی
قطعه
پنجاہ تومان

سایر ولایات

کر وستان از قراریکہ در روزنامه اینولایت
خلعت آفتاب طلعت ہمایون شامشای کہ بافتا مقرب انخافان
والی مصحوب عالیجاہ ہمدی بیگ شیخ دست جناب نظام الملک
از دربار ہمایون القاد شدہ بود بانجا پر تو وصول فکندہ مقرب
شارالہ لوزم توقیر و احترام استقبال خلعت ہمایون را بھن آورد
با جمیع اعیان و اشراف با استقبال شامقہ خلعت ہمایون را
برود و کس افتخار خود نموده ظہر عنایت ملوکانہ سبب مستطاب
و تقویت کار شاریہ کردیدہ و امانی انولایت را بمعنی زیادہ خور
و عا ہمدی بیگ مالی انجار امید و آریا و بخوا خفا و نیای دو
عقبہ دادہ است چنانچہ قبل از ورود در الیہ اغلب کتہ انخافان لفرقہ
داشته اند اشار الیہ انکار را دگر می دادہ مشغول رہی خود
ہی باشند

فوج بمقتم کرمان
نشان سلطان طلا
دو قطعه سیرادہ
قطعه

علاخان طایفہ شہر
نشان نقرہ
یازدہ قطعه
سوارہ طایفہ جبال پاری
نشان نقرہ
شش قطعه

مہم خان سیستان
فرمان مواجب
شصت تومان
امیر سعید خان بلوچ سیستان
کار و دستبند طلا
قطعه

حاشم آقار بادکوبہ
نشان از مرتبه سوم باوری
قطعه
چوادرہ ہماچہ
نشان سلطان
چوادرہ قطعه

نوروز بیگ پیر بلوچ اوردو
انعام
پنجادہ تومان
حد او در سیک ہماچہ علاوہ مواجب
مرحمت شد
پہنجاہ تومان

۱۴۳۵

خراسان

نواب والا فرما فرما	مقرب الخاقان وزیر نظام
نشان سال هون	عصای مرصع جبه ترمه
سککل بالماکس	عدد نوب
قطعه نوب	
عایجا پاشا خان اینخانی	شاهزاده محمد یوسف هراتی
جبه ترمه	جبه ترمه کرمانی
نوب	نوب
امیرزاده جعفر علی میرزا	امیرزاده محمد یقین میرزا
جبه ترمه کرمانی	جبه ترمه کرمانی
نوب	نوب
محمد حسین خان میرزا	امیرخان سرست ساهتون
جبه ترمه کرمانی	نشان اول میرزا حاجی سعید
نوب	قطعه
محمد حسین خان قورقاسی هزاره	محمدخان سرنگ قوچ ساوری
جبه ترمه کرمانی	شال کرمانی
نوب	طاقه
کاظم خان سرنگ قوچ سزر	محمد قهرمان سرنگ قوچ میرزا
شال کرمانی	فراش کرمانی
طاقه	طاقه
عبا سقیا خان کروی	امیر حسین خان برادر پاشا خان اینخانی
شال کرمانی	شال و قبا
طاقه	وست
محمد حسین خان وزیر باقرخان	بها در خان
نوب و قبا	نوب و قبا
وست	وست
عبدالباقر خان افغان	محمد رضایی بومر
جبه کرمانی	نوب و قبا
نوب	وست

از قراریکه این اوقات از خراسان خبر رسید نواب پاشا و
 فرما فرمای ملک خراسان که با قشون ظفر نمون بصفتات حسن
 شریف برده بودند بعد از قتل خان جنوق و شکت قشون او در
 شریف سرمای مروده قریاب را که قریب ده دو ایزده
 خانوار از اشرا ترا که و او با قات آن صفحات در اینجا مجتمع
 انجار برای خود محکم و ستافی قرار داده بودند و بینه آن
 و حول و حوش بلکه ولایات خراسان را تا تحت و تار
 یشموند و بجهانت و رزانت محکم خود دستگیر بودند پناه
 بروه سنا و نی الی انجیل یغیمنی من الماء کویان مشخص شدند
 نواب معزی البیه هم بخطاب لا عاصم الوم لکم جواب داد
 با قشون ظفر نمون خنک عزمت را بجانب قریاب سبک عنا
 فرمودند حصار یان چون تاب مقاومت با عا کرد و
 در خود ندیدند و در حالت خود حال بینها الموج نکان من
 مشاهده نمودند از در استیمان در آمده گفتند حکم حکم
 با فرمان پذیر و موئن امر است ما حد شکرار و مؤتیر
 نواب معزی البیه انهار الرقل و نهب امان داده حکم
 ان قلعه نمودند و ان جمع را کو چانده از بهر جا که فراس
 آمده بودند بر اطن صلی خود معاودت دادند و شتا و خالوا
 با خانه کوچ از معتبرین مروی کروی گرفته خانوار سلطان
 در اینجا ب حکومت منصوب نموده ب سمت خراسان عطف
 عنان کردند و از جانب سنی ابجواب بیایون شایسا
 بتفصیلی که مسطور میگردد برای نواب معزی البیه و
 بهر امان ایشان نشان و خلف مر حمت فرموده ارسال
 داشتند

۱۴۲۶

<p>سید علیخان خوانی شال و قبا دست</p>	<p>ناصرالدخان بجنوردی شال و قبا دست</p>
<p>میر منصور خان خوانی شال و قبا دست</p>	<p>محمد ابراهیم خان قاجار حاکم چوچن جبه کرمانی توب</p>
<p>محمد یحییان یاور فوج قدیم و اول نشان اول یاوری قطعه</p>	<p>نفر از امالی انجا و حبلی و واب و اغنام ازین تکرک بجز تلف درآمده است</p>
<p>محمد علی بیک یاور فوج کروی نشان دوم یاوری قطعه</p>	<p>و همچنین در دویم شعبان در سمت جنوبی شهر برقی زد که کل اهل شهر متحیر بودند بعد که معلوم شده بود برقی بخانه صفر سلطان که یکی از سلاطین فوج شیراز است زده</p>
<p>حسن بیک یاور فوج قرالی شال کرمانی قطعه</p>	<p>یک نفر جاریه و دو درخت اسب تلف کرده و خانه را هم خراب نموده بود</p>
<p>عظیمخان برادر کلاریع خان موجب پنجاه تومان</p>	<p>چون بر ساله در اوقات عبور و تردد ایلات از دور شهر بعضی تعذیبات از انجا نسبت بیکدیگر یا سایر مردم ظاهر امسال از اتهامات نواب استظاب شاهزاده و الا تبار موتیه الدوله حکمران فارس با کمال نظم حرکت کرده بطوریکه هیچ وجه مزاح و محضول کسی از عبور و مرور آنها آید و خسارت نرسیده است</p>
<h3>فارس</h3>	
<p>از فرساریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند امورات انجا بنعمه جهت قرین انتظام و امنیت است در اوایل ماه شعبان که هنگام آمدن باران بود در شیراز چند روزی باران نیامد و مردم زیاده اضطراب داشتند تا در هفتم ماه فروردین شروع به بارندگی نموده بارانهای نافع و مبرقع زیاد آمد و در شب ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ احوال شدت تمام سرد کرده بود بطوریکه در او اسطریشمانهای شدید اینطور سردا کسی بخاطر ندانسته است اگر چه ازین سردا بسر درختی صبر بسیار رسید و اغلب درختها را که برک و شکوفه کرده بودند سردا سیاه کرده ولی ازین بارندگیها خیلی فایده بزرگت رسید</p>	<p>دیکر نوشته اند که امور معاملات و محاسبات دیوانی شهر و بلوکات در کمال انتظام است و مقرب انخافان مشیر الملک حب الامر نواب شاهزاده و الا تبار موتیه و مقتضای کفایت و کار دانی خود کمال رسیدگی در امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی دارد و رعایا قرین فایده و آسودگی و شکر گذاری میباشند و همچنین امور لوگر انجا از نظام و غیره بسیار منظم است و اخراج هر روز از توپچی و سرباز مشغول شوق میباشند و صاحبان</p>

۱۴۲۷

کمال اهتمام در مشق و انتظام آنها دارند و مقرب الخاقان
 شجاع الملک در وصول بالیات و انتظام کار نوکروا
 خدمات دیوانی نهایت سعی و رسیدگی دارد
 دیگر در روزنامه فارس نوشته بودند که چون هوای بندر
 عباس بنایت گرم است و این روزها برای افواج بیلا
 زبیت در آنجا مشکل بود و کمال صعوبت داشت نواب والا
 مؤید الدوله با اهتمام مقرب الخاقان شجاع الملک یکفوج کرسر
 که ششصد نفر از تنگستانی و غیره و چهارصد نفر لاریست
 سیرمنگی عالیجاه با فرخان تنگستانی گرفته بندر عباس
 فرستادند که با فوج عرب ابوالجهمی عالیجاه رضاقلیخان
 سر مقرب مشغول محافظت بندر عباس باشند و از آنجا
 کمال نظم و انضام حاصل نموده اند

۱۴۲۸

شکر گذار و دعاگوی این دولت پایداری باشند
 دیگر نوشته بودند که در ماه شعبان عالیجاه مقرب الخاقان
 محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج اصفهانی از سفر کرسر شیراز
 کرده است یکفوج از ابوالجهمی او در بندر ابوشهر متوقف و یکفوج
 همراه خود مشارالیه آمده در خارج شهر شیراز منزل کرده
 نوابشاهزاده مؤید الدوله بجهت بازدید آن فوج مزبور
 رفته در میان فوج گردش کرده اند و بعد از ملاحظه اجمالی
 مفصلآسان آنها را دیده اند چون کمال راستگی و انتظام
 مقرب الخاقان محمد ابراهیمخان و سایر صاحبان
 تحسین گردیده اند و نوابشاهزاده کمال محبت و التفات
 در باره آنها معمول داشته و بعون لطف اولیای دولت علیهم

کامل داده اند
 دارالخلافه طهران الضیاء

جناب مجتهد آیت الله جنرال برسیلف از جانب اعلیحضرت
 امیرالمؤمنین دولت بهیبه روسیه بانامه حلت علامه مسیحی
 جلوس تحت سلطنت و عالیجاه فحاشه راه بار لوله
 نیز از طرف جناب جنالت نصاب مراد یق جانین
 ممالک قفقازیه با ذریعه مخالفت و دلیله مأمور بدربار
 دولت علیه گردیده بعد از ورود دبیر صد نواب مستطاب
 شاهزاده نصرت الدوله فیروز میرزا حکمران ممالک ایران
 مقرب الخاقان قاسمخان سرتیپ را بهماننداری ایشان
 مأمور و با کمال احترام وارد دار السلطنه تبریز گردیدند
 چند روز توقف مقرب الخاقان علیبنقی خان سرتیپ که
 از جانب سنی ایوانب همایون بهماننداری ایشان مأمور بود

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا در انتظام
 امر بندر عباس و صفحجات شل و میناب و آن لواحقین آنها
 کامل بعل آورده اند از جمله بعضی از مفسدین شاکر که یکی از عالیجاه
 حکیم آنجاست بنای خود سری گذاشته و با اللهو بر سر
 که از جانب نواب امیرزاده بحکومت و انتظام امر آنجا
 بود و مخالفت بر جوسته بودند مشارالیه مراتب را بنواب
 معزنی الیه عرض کرده جمعی از قشون مأمور بدفع مفسدین
 مأمورین فتنه عباسخان نامی را که رئیس مفسدین بود
 با سایر اشرار بقره و غلبه و تکبر کرده خانهای آنها را خراب
 و خود آنها را مقید و مجسوس خدمت نواب امیرزاده آورده
 الی قلع مزبوره از حصول امنیت و دفع مفسدین آنجا زیاد

ایشان پذیرفته از دار السلطنه تبریزی دار الخلاقه الباهره
 مراقبت تمام از جانب معاندان دولتی و مباشترین و
 کارگذاران امور دیوانی در مراعات احترام ایشان بعمل آمد
 در روز یکشنبه ماه شهر رمضان المبارک در قریه طرشت
 چادر دولتی زده شد تیره الامراء العظام مقرب الخاقان
 محمد خان بیکر بیک و میر نیجه و مقرب الخاقان محمد رضا خان
 سر تپ از جانب سنی بچو انب بایون و عالیجاه خانبا
 سر تک از طرف جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم
 و عالیجاه میرزا عبد الغفار خان نایب دویم وزارت امور
 خارجه از طرف جناب وزیر امور خارجه و عالیجاه محسن
 کلاتر و کدخدایان شهر و استقبال بسیار از غلام و غیر
 غلام با استقبال ایشان رفته با احترام تمام وارد باغ دو
 مشهور باغ میرزانی خانی که از برای ایشان قبل از وقت
 منزل معین شده بود گردیدند و بطور احترامی که لازمه
 سفر بود موافق شرفیات بطور کل در حق ایشان بهمه
 جهت
 بعمل آمد

فارس ایضا

از قرار که در روزنامه بهبهان نوشته بودند نواب اکبر
 لطفعلی خان که بگومت اینجا مورست امورات انجارا
 انتظام کلی داده است بعضی از مفیدین حکام طلب که غلب
 اوقات در انولایت مشغول افساد بود بعضی و تمام لجا
 مقرب الخاقان لطفعلی خان سر تپ فوج قشائی دستگیر
 و تا دیب کامل شده اند و با الفعل نهایت ایت و انتظام
 در انولایت حاصل است و رعایا در رفاه و آسایش مشغول

عبیستی و دعا کونی میباشند
 مقرب الخاقان حاجی قوام الملک که با انتظام بندر بوشهر
 و آن صفحات رفته بود در عمده ماه شعبان در حجت از
 نموده است و نواب شایسته برادره موید الدوله جمعی را با استعجاب
 فرستاده و لوازم توقیر و احترام او را مرعی داشته
 و در وقت شرفیابی حضور از نواب علی الخاقان نایب بیکر
 بعمل آمده است

از قرار روزنامه بندر بوشهر که نوشته بودند در اوقات
 توقف مقرب الخاقان حاجی قوام الملک در بندر مزبور در حصول
 دعای دوام دولت علیه در فاه حال سکنه آنجا آب انباری
 بزرگ قدیم واقع در نزدیکی برج سحری را که سالها خراب
 بی آب بود فرستاده باز دید نمودند و بنا و عمل زیاده
 بیرون آوردن خاک و تعمیر آنجا بکار انداخته مساقی زیاده
 از اراضی آبیابان را مزبور را هم قرار داده است که سطح نمود
 دیواری به و ران بکشند که در موسم بارندگی آب باران جمع
 بان آب انبار بیاید و همچنین در و در شهر نیز عمل در کار تطبیح و هوار
 کردن زمین اند که نهری هم از آنجا حفر نمایند و آب انجاء هم بشهر
 به آب انبار مزبور بیاید این آب انبار نوشته اند بسیار بزرگست
 بر بیت و نه طاق قریب بی وزع طول و یازده ذرع عرض و سه
 عمق دارد و آب او کل اهالی انجاء را تا شش ماه بل متجاوز کفایت
 اهالی انجاء ریاده از این معنی دعا کونی و سکرانه داشته اند
 از قرار روزنامه که در عمده ۲ شعبان نوشته بودند تعمیر
 و زدن طاقهای آن و تطبیح زمینهای اطرافش همه در کمال
 استحکام با تمام رسیده و کلیه کارهای آن شده است
 بعضی جزئیاتش که فی الجمله نامی داشت آنم قریب با تمام
 بوده است

۱۴۲۹

دیگر نوشته بودند که مترش انخاقان مشارالیه قرار داده است
 که کار و انصرای مشهور میان کتل را که کوچک است و در
 رشتان کفایت کنجایش و توقف عابرین و مترودین را
 میکند بزرگ نموده در کمال استحکام سازند که عابرین
 در آنجا با سود کی منزل نمایند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه دریا یکی محض رفاه حال رعایا
 جزیره خارک و حصول دعا کونی بجهت ذات اقدس بایون
 شاهنشاهی و جوه تخیلات جزیره مزبور را موقوف و معاف
 داشته و نوشته است بود نوشته است که بعد از این
 در بیچوقت مطالب وجه مزبور از آنجا شود که اسوده خاطر
 مشغول کار و کسب خود دعا کونی دولت علیه باشد

دیگر نوشته بودند که در لنگرگاه بندر لنگر طوفان شدت
 کرده سه فروند بعله را غرق کرده بود یکی از آنجا مانده
 بود که از نمبسی بارگرمی شده به بوشهر می آمد موج او را غرق
 شکر و نبات آنچه داشت تلف شد و سایر اجناس

که ممکن بود بیرون آوردند و خود بعله مزبوره را هم تیش را
 با سباب خالی کرده بیرون آوردند یکی نگه کرده بود یکی دیگر
 مال عبد الله ابن خلیفه بحرینی ساکن بندر لنگر بود که از طلی باور
 شد موج او را شکست و غرق کرد بعله در دوازده هزار موه
 برنج و سایر اشیا که در آن بود بالمره تلف شد چیزی
 پست نیاید از قرار مذکور بعهده هزار تومان خسارت

بشار الیه رسیده است و یکی دیگر که غنچه نمینامیدند از
 اهل کویت بود که از مسقط می آمد شکسته و غرق شد و نیز
 نوشته بودند که یک فروند بعله دیگر از اهل کویت سبسی بی
 که از نمبسی بطرف بوشهر می آمد در مقابل سوره که توابع مسقط است

بکل فرو نوشتت اعراب آن نواحی که سابقا چهار سطر نام
 ملک التجار را غارت کرده بودند این بعله را نیز غارت کرده
 بعد بر پنج شش هزار تومان تخواه از تجار تبعه دولت علیه
 در آن بوده است و باصطلاح اهل سفاین آنجا نیمه مال البحاره
 که صاحب کشتی و جوی معین گرفته ضامن درک آن میشود که
 بمنزل برساند و در صورت تلف از عهد خسارت صاحب مال
 برآید درین بعله نوشته بودند که مال بیمه و غیر بیمه بود
 قدر بزرگ نموده معلوم نشد و بود

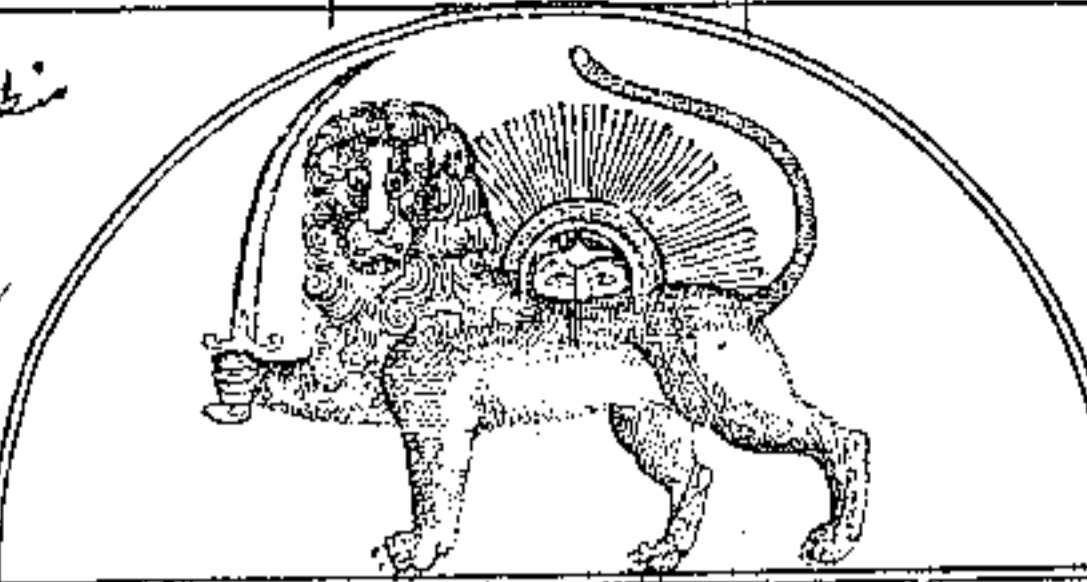
از وقایع اتفاقیه بوشهر نوشته بودند که علام رضای چهلان
 از اهل کرون شیراز در بازار بوشهر لغتی و یکی مال سیر
 داشت و تعمیر سیم و غافل از اینکه چهار باره پر بوده است
 در همین استمال ناگاه نفکند مزبور خالی شده چهار باره
 بی پای اسفند یا نام کروی قداق ساز که عموزاده مشارالیه بود
 خورده پایش مجروح گردیده بعد از چند روزی بهمان
 صدمه درگذشته است

درین بقیه سبب لیالی ۱۹ و ۲۱ و ۳۰ که شبهای اجیاب
 و ایام آن بجهت بیداری و عبادت روزه داران در کلام
 ایام تعطیل لهذا این روزها مهله که بقاعده ستمه روزهای
 پنجشنبه بیرون می آمد تقسیم می شد در ایام تعطیل دار الطباعه
 کار کرد و بقیه افتاده باین سبب در روز مقرر از دانه
 بیرون نیامد

۱۴۳۰

روزنامه و قایم اتفاقیه بیان پنج پونجم شنبه هجرت و هم ماه رمضان المبارک مظان اشکانی

مزد و بیست و شش
قیمت روزنامه
یک نسخه و یک کماله
در تهران و چهار هزار



منطقه دارا خلفه طهران
اعلانات
بکسطه الی چهار سطر بکله هزار
بسیار با بر سطر پنجم

احبار و احکام مالک محروم پادشاهی

دیرین هاء قاست که ایام او اخرا ماه رمضان المبارک است
هوای دارا خلفه طهران بسیار خوبی گذشته است
بطوریکه کمتری از سالها درین موسم که متشاهی بلندی
روزه است هوا باین خوبی بود سالهای دیگر درین
فصل اغلب مالی و سکنه دارا خلفه مبارک که بشیران
و سایر بیلاقات رفت بودند امسال بجهت خوبی و
طایمت هوای دارا خلفه طهران تا حال کسی بشیران
ترفته است و احتیاج باین شده است که مردم
بیلاق بروند و دیگر هر سال درین موسم انواع ناخوشیها
در میان خلق بود امسال بجهت تعالی مطلقا هیچگونه
ناخوشی در میان مردم نیست و از این معنی کمال حور
و شکر که ازیرا وارند تعبیر اجناس هم از نقصان
جناب باری تعالی بسبب بارندگیهای زیاد که در
دارا خلفه و اطراف و بلوکاتش روز بروز در منزل
و بجهت الله همه چیز فراوان و ارزان است از جمله کدوم
خرواری به تومان و نیم و چهار تومان رسیده بود

حال خرواری دو تومان و دو هزار و فاخته میشود
کندم خوب یعنی دکال و فورا دارد و بجهت اینکه از اطرا
و جواسب علی التوالی کندم بدار اسخلافه طهران می آید
کلی هست که از زانم رسم بشود و جو نیز که سابقا
کم یاب بود و خرواری دو تومان و بیست و دو هزار
کمتر بدست می آمد حال در دوازده هزار دینار هفت
و فورا دارد و سایر اجناس و آذوقه و جو بات
از قبیل برنج و نخود و ماش و غیره بهین نسبت ارزان
و فراوان است و همچنین نان نهایت تنزل را کرده است
و درین روزها نان بسیار خوب از هزار کمن پنجاه
فروخته میشود و از هزار یک معلوم است کجان کلی
هست که اجناس ازین تعبیر هم که حالا در تنزل
ناید و از زانم بشود با بجهت مالی و سکنه دارا خلفه
طهران را بجهت و فورا از زانی هر گونه نعمت و حصول رفاه
و آسایش و نیت در پیه اعلی حضرت قوی شوکت شایسته
بودن ناخوشیها بچندین سبب جای شکر است و امید

۱۳۳۱

که این سال خیریت مال چنانچه تا بحال بخوبی گذشته است
بعد ازین رسم با کمال خوشی بگذرد

نظر بطور و فورم رسم ملوکانه در باره جناب امجد شرف
ارفع افخم صدر اعظم و جناب نظام الملک شب ۲۷
ماه مبارک رمضان را اعلیحضرت پادشاهی از جهت
افطار بخانه جناب نظام الملک بصفیافت تشریف فرما
کر دیده از جانب جناب معظّم و جناب نظام الملک
نوازم پیشکش و پای انداز و قربانی عمل آمده در اینجا
و سحری میل فرمودند و بسیار بر وجود مبارک حو
مستفان جناب معظّم الیه که مباشر خدمت تهنیت
صیافت بودند مورد تحسین ملوکانه گردیده افطار و سحر
صرف شده بعد از اذان صبح مبارک که سلیط
معاودت فرمودند

در روزنامه قبل سمت نگارش یافت که جناب کفالت
جزال بر وسیلوف المچی دولت بهینه روستیه و عا
پو لگو نیک باز ظالامی فرستاده جناب جلالت
جائین مالک تقفازیه با احترام تام وار و در باره
گردیدند روز و شب ۲۵ شهر رمضان المبارک
عالیجاه مقرب المحضت العلیه محمد حسن خان نایب
باشی از طرف قرین شرف تایون بنزلی که از جانب
دولت بجهت جناب معزری الیه و سران ایشان
تعیین شده بود وقت ایشانرا دعوت بحضور مبارک
مواقف تشریفات متداوله وارد کشیکخانه مبارک کرده
و از آنجا امیر الامر العظمی ام معرب انخافان محمد ناصر
ایشیک آفاسی باشی بر رسم و این معموله جناب المچی و هم

۱۴۳۲

اجزای سفارت را با نامه موبوت ختامه و در تبع
جناب جلالت آاب جائین در مجلس خاص شرف
بزم حضور تایون ساختند و اعلیحضرت شاهنشاهی
جناب معزری الیه و عالیجاه مشارالیه را مورد نوازش
ملوکانه فرمودند و بعد از مرخصی از حضور مبارک بلافا
بلافاقت جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم رفته
بعد از طی تعارفات و صحبتهای محبت آمیز بهمان مرتبت
که آمده بودند معاودت بنزلی خودشان نمودند و
بعد نیز جناب شرف امجد ارفع باز دیدن ایشان سیر
برده شرایط دوستی و محبت را عمل آورند
چون از قدیم قیامین دولت علیه ایرانیه و دولت
فخیمه و رهنه دوستی و مراد است برقرار و اسباب
و مسالمت بطور احوال محکم و استوار بود و در این مرتبه
بیان مافی الضمیر و استخبار و اعلام مراتب دوستی
باقتضای وقت از جانبین سفرا کی تسین بدر بار و
کامور میشد درین زمان فرخنده نیز جناب کفالت
آاب موسیو پورده سفارت مخصوصه از جانب دولت
بهینه مزبور بجهت تشدید مباحثی موالات نامور در باره
عالیه گردیده است و آاب مطاب شاهزاده مؤید الدوله
طها سب میرزا حکم ان ملکیت فارس پس از استحضار
و اطلاع باینکه جناب معزری الیه از راه بندر اچو شهر
عازم شرفیابی استن مبارک مستند عالیجاه محمد
همراه میرزا علی محمد خان را از طرف خود بر رسم
روانه بند را بو شهر نموده مراتب را بدر بار و دولت
عالیه نکاشتنده و عالیجاه مقرب انخافان علیخان سیر

فرانکوز لوتیز از جانب سنی اچوانب همایون مهبانذاری
ایشان معین و از دربار شوکتدار عازم شیراز
گردید موافق خبری که از ابوشهر رسید عالیجاهان
مجدد شیرازان میرزا حسنعلیخان حاکم دریابیکی بو شهر
وسیرزاعلیچرخان مهابدار نواب مغزی الیه چادر
پوشش بزرگی در کنار دریا زدند و طرزوات چادر
از هر چیزی که مدخلیت با سایش و استراحت جناب
مغزی الیه داشت همه را بطور خوب مرعوب آماده نمودند
صبح روز یکشنبه ۱۹ شهریور المعظم را که
جناب مغزی الیه وارد خلیج پوشه شده بودند عالیجاهان
مجدد شیرازان میرزا علیچرخان و میرزا احمدخان
نایب اجودان وزارت امور خارجه که در ابوشهر
مشغول خدمت دولت است بکشتی کوچکی سوار شده
ایشان از جانب نواب مستطاب معظم الیه پذیرفته
تکلیف ورود با عل و استراحت در چادر نمودند
معین ورود ایشان مبت و یک تیر توب از برای احترام
ورودشان از توپخانه مبارکه خالی شد و از جانب
صاحب منصب و سربازانی که محض احترام ایشان در
جلو چادر حاضر بودند و از اعیان و اشراف ابوشهر که
با استقبال رفته بودند احترام و لوازم اکران بهم آمد
بعد از استراحت در چادر با اینکه در ابوشهر منزل
منتهی و ممتاز بجهت ایشان مهیا و موجود کرده بودند و تکلیف
شد که بمنزل مزبوره بیایند میل خود قرار منزل را در
کوتی دولت انگلیس دادند و روز ۲۳ شهریور
باتفاق عالیجاه علی محمدخان ابوشهر حرکت کردند که از

طریق شیراز عازم دربار مجدت مدار همایون گردید
هنوز وار و شیراز نشده که مقرب انخاقان علیخان شیراز
مهابدار دولتی رسید ایشان را از جانب دولت پذیرفته
عازم شیراز فی استبان مبارک گردیدند

سایر ولایات

استرآباد از قراریکه در روزنامه اینولایت
سجده کمال انیت و ارزانی و فراوانی در آنجا حال
از جمله برج مکین بلده که عبارت از دوسن دو
بوزن تبریز است بد شاهمی وردغن بهان وزن
لیکن پنجاه هزار و از آن است ترکیمن چهار هزار و ده شا
و کندم و جو نیز بهین قرار نهایت و فوز ارزانی را
دارد و اما فی آنجا در رفاه و آسودگی و امنیت
ذات اشخاص یون اشتغال دارند

میکر نوشته اند که مقرب انخاقان محمد ولینخان
سجده لطمه لطف ترکان و وصول و ایصال مالکات
در سرحد کوکلان توقف دارد و در دویم ماه رمضان
تقسیم مایات انهار نموده و برای واران دیوانی بجهت
وصول و ایصال آن شخص و بجل ماموریت روانه شده
و امور آن صفحات از اتهام مقرب انخاقان
کمال نظام را دارد

دیگر نوشته بودند که در ۲۲ رمضان المبارک بعد از خوردن
پوشنای انقلاب در عده و برق گذاشته مقارن طلوع آفتاب
بباریدن نموده تا مدتی چنان شدت کرد که سبب انباشت جای
از جمله هنری در کنار رود بوده پس آن بطوری شد که یک
پیش که در آنجا بجهت بیرون آوردن ولی از ضربت تلف گردید

۱۲۳۳

فارس

از قرار یک دور و ز نام این ولایت نوشته اند فوج
 اخلاص ابو اجمعی مرحوم قاسم خان سرینک که با
 ساخلو بند را بو شهر بودند در این اوقات که مشایخ
 وفات یافته است از بو شهر حاجت شیراز کرده
 چون مرحوم قاسم خان مادام الحواء بطریق اخلاص
 مشغول خدمتگذاری و جان نثاری بود نواب مستطاب
 شاهزاده والا تبار موید الدوله حکمران فارس از فوج
 او زیاده اظهار تاسف نموده اند و در روز و روز
 مزبور شیراز خود نواب شاهزاده بیان آنها رفته بود
 از صاحب منصبان نموده آنها را بخواه اطلب این دولت
 علی امیدواری زیاده داده

دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد رضا خان نوری که
 با غلامان ابو اجمعی خود مامور بحفاظت طرق و سوا
 فارس بود در اشعبان در حضور نواب شاهزاده
 موید الدوله سان داده بجل ماموریت روانه کرد
 و منازلی که بشار الیه سپرده شده است این اوقات
 کمال امانت را دارد

دیگر نوشته بودند که معصوم خان نامی که از جمله سائر
 مشهور و سالها بقطع طرق و سبک و بار و سبک
 اموال مردم اشتغال داشت و حکام سابق هر
 سعی کرده بودند که بشار الیه را بدست آورده رفع
 شر او را از مردم بکنند میر نشده بود و همیشه
 اوقات در بیخولها متواری بود و درین اوقات دست
 اجل بر قفای او زده پیاد شریکات اعمال خود

۱۴۳۴

کر قرار کرده بدست مامورین که بگرفتن دو سه نفر
 از قرار بهای فوج عرب باصری رفته بودند افتاد
 او را بحضور نواب شاهزاده آورده و حسب حکم بسیار
 رسید و مردم زیاده از این معنی اظهار خورسندی
 نموده اند زیرا که از جمله دزدان می مشهور بود و اذیت
 زیاد بجا برین و مشرودین کرده بود و همه مالی آن
 صفحات از ثبات و بستوه بودند

کردستان

از قرار یک دور و ز نام این ولایت نوشته اند عالی
 محرم یک لشکر که از جانب اولیای دولت فارس
 مامور بر رسیدگی و سان سر باز فوج کردستان
 و تشخیص تعیین موجب آنها بود و در و از دهم ماه
 شعبان وارد آنجا گردیده و از قرار حکم اولیای دولت
 قاهره که در دست وارد مشغول انجام خدمات محول
 سجد و بیاض و مقرب انجاقان و الی نیز قدغن کرده
 که سر باز را جمع آوری نموده حسب المراسان بدست
 مواجب آنها تشخیص یافته از قرار حکم محمول شود

دیگر نوشته اند که سببه خشکالی این است که حساب
 اطلاق زیاده پریشان خاطر و از زراعت مایوس بودند
 لیکن از سال ۱۲۰۲ جب الی پانزدهم شعبان بارانهای متوال
 فراوان بانولایت آمده و آب رودخانهها و چشمهها
 خیلی زیاد شده در کردستان و سیلا قات نیز برف
 بسیار آمده و رضع تشویش مالی آنجا بختی گردیده است
 و امیدواری زیاد بجهت مالی آنجا حاصل شده بحال
 سکر گذاریرا داشته اند

روزنامه قایم القایع و بیابانج یوم ششم باسوال المکرم مطابوق یونستان میل ۱۲۷۱

نزدت بیت و نه
قیمت روزنامه
یک نخود و شاهی یک
و تان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یکسره الی چهار هزار
بیشتر با هر سطر پنجاه

اخبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته که روز عید فطر بود اعلیحضرت پادشاهی بقراریکه در اعیان و قانون و رسم این دولت علیه است باسلام عام دادند انسانی دولت علیه و مقربان حضرت گردون بسطت سینه از شاهزادگان و خوانین و امر او سرگردگان عظام و صاحبان نظام شرفیاب حضور مهر ظهور خروانی گردیده هر یک در بر مقام خود ایستادند سلام عام انعقاد یافته اجرای شلیک توپ و زنبورک بقاعده معموله شد خطیب در حضور مبارک خطبه بلیغ بنام اعلیحضرت پادشاهی ادا نموده شرایع مبارک با عید تقدیم گردید و سفرای دول متحابه نیز شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات گردید بعد از انقضای سلام اعلیحضرت پادشاهی بعبادت سر در بویوانخا مبارک تشریف فرما گردیدند توپچی و سرباز سراسر میدان ارک صف نظامی کشیده و عموم اهالی دارالخلافه که بجهت زیارت وجود خالص نمودن و رسیدن مهر نور حسیح شده بودند شرف اندوز

زیارت وجود مبارک گردیدند و باصحاب طریقه که اسباب جشن و سرور در حضور بنایون شرفیاب آورده بودند انعام ملوکانه بمنزول افتاد چون طبع شریف اقدس بنایون شاهی عادت سواری نموده و زیاده مایل گشت و تفریح میباشند در ایام ماه مبارک رمضان سوار شده بودند در این اوقات که کل کسرخ باغات اطراف شهر کام شده و ابتدای خرمی و صفای شمیرانات خصوصاً سمت دره و آن اطراف است لهذا در روز یکشنبه گذشته که روز عید فطر بود عزیمت سواری و تفریح سمت دره نمودند فرموده اول بیان افواج قاصد نظام که در رسیدن مشق خارج در واره دولت مشغول مشق بودند تشریف فرما گردیدند ملاحظه مشق و حرکات انحصار فرمودند و بعد از آن سمت شمیرانات و در بند تشریف برده تا حوالی عصر مشغول گشت و تفریح آن صفحات بود نزد یک غروب آفتاب مبارک که سلطانی و مقتر سلطت علی بر لجهت فرمودند

۱۴۳۵

چون چاکران دربار عالیون در ایام ماه مبارک رمضان
 از الترام خدمت در ب خانه معاف و مرض بودند
 درین اوقات که ماه مبارک منقضی شده است هر
 بقا مقرر در سرکار و خدمت خود حاضر و مشغول انجام
 خدمات محوله بخود میباشند جناب نظام الملک در
 مبارک و سایر باشیان در ب خانه بربک در اطاق خود
 مشغول انجام خدمات دیوانی هستند و هم چنین معاینه
 و در دارالعلوم هم روزه در تعلیم و تعلم فنون حربیه و غیره
 مشغول میباشند

سرکار عالیحضرت شایسته نواب شایسته و الا حتمه
 حمزه میرزا را بحکمرانی ولایت اصفهان منصوب فرمود
 فرمان بمایون شرف صد و ریافته یکثوب جنبه پولک
 دوره نند خلت مرحمت فرمودند و عالیجاه میرزا
 پیشکارسابق اصفهان را نیز بخانی سابق پیشکاری سرافرا
 و خلت مرحمت فرموده از خاکپای عالیون مرضی حاصل
 پیشرفت که در غیاب نواب معزنی الیه مراقب و متوجه
 امور ولایت باشد تا نواب معزنی الیه تیر این
 بقا حکومت روانه شوند

در روز سه شنبه چهارم این ماه جناب امجد شرف ارفع
 افخم صدر اعظم بیه کشتی قورخانه مبارک که وجبه خانها بجهت
 کار نجات آنجا بربک بربک بقت رسیدگی نمود
 و بعد از ملاحظه تمامی کارخانها در اطاقی نشسته قرار استظام
 قورخانه وجبه خانها را دادند و بجهت اینکه تا رسیدن تحوا
 از محل معطلی برای آنها حاصل نشود مبلغ دو هزار تومان جو
 نقد بجهت اخراجات قورخانه مبارک که التفات فرمودند عالیجاه

عبدل بیک یاور قورخانه مبارک که مباشر سر آبخانه که نفقه
 سر باژی با تمام رسانده بود فالتعمای او بنظر جناب معظم
 رسیده چون بسیار خوب و ممتاز با تمام رسانده بود
 مورد تحسین و التفات گردیده یکثوب جنبه ماهوت با
 دادند

چون تفریح محاسبات مباشرین و تحویلدهارهای قورخانهها
 وجبه خانهای مبارکات را اولیای دولت قاهره بعهده
 عالیجاه میرزا حسین تفرشی سررشته دارد و قورخانه مبارک
 استیفا فحول و مرجوع داشته بودند در این اوقات که
 محاسبات را تمام کرده و بعد از ملاحظه جناب امجد شرف
 ارفع افخم کتایچههای مزبور بعرض اقدس بمایون شایسته
 رسیده خدماتش در خاکپای مبارک کسختن و مقبول افتاد
 محض عنایت یکثوب جنبه ترمه خلعت و دولیت تومان نفقه
 بر سه انعام در حق عالیجاه پشار الیه مرحمت گردید و او
 دولت قاهره بیه شخص وثوق و اعتمادی که در صداقت و
 کار دانی و راست فلی او بهر ساینده حسب الامر فرار داد
 که در قورخانه مبارک استیفا دفتر و جلد داشته باشد
 و حظ گذاشته هر گاه که ثبت و سررشته صحیح ضبط کرده
 و از عهد محاسبات محوله بخود یا محاسبات و خدمات
 دیگر که باو فحول مرجوع شود بخوبی برآید

امور استقنونی

افواج قاهره نظام که در ایام صیام از مشق معاف و مرض
 بودند در این اوقات که ماه مبارک منقضی گردیده است
 بخانی سابق صدر روزه توپچی در میدان ارک و سوار نظام
 و سرباز در میدان مشق حاج در روزه دولت یک ساعت

روز بالا آمده حاضر مشق شده مشق نظامی میباشد
و از جانب صاحب منصبان و معالین نهایت اهتمام در
و انتظام امر آنها میشود

فوج خرقان که احضار برکاب مبارک شده بودند در روز
بیست و نهم ماه مبارک رمضان وارد دارالخلافه مبارکه
و هم چنین فوج قزاقه داعی و سواره قدم نیر که از آذربایجان
برکاب بیابون احضار شده بودند در روز یکشنبه و دوم
این ماه وارد دارالخلافه گردیدند و در روز منور که علیحضرت
شاهنشاهی در بند شریف فرمایند برود فوج سواره
منور در بیرون شهر حاضر شده بودند نیز افسران
رسیدند چون ار استکی و انتظام آنهاستحسن و مقبول خاطر
شاهنشاهی افتاد و عالیجنابان محمد علیخان سرتیپ فوج قزاق
و علیقلی خان سرهنگ فوج خرقان و علیخان سرکرده
مقدم موردین و التفات ملوکانه شدند

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
نوشته بودند بعد از شکست خوردن قشون اورکنجی از
قشون دولت علیه و کشته شدن خان خجوق نواب
ستاپا شاهزاده محسنم و الایبار فرمانفرمای خراسان
پنجروز در سرخس کشته افتادند و نظم کامل در امورا
ظایفه نگه داده اند و بعد از آنجا بجانب مرو شاهجهان
کرده اند پانصد نفر سواره سرخسی نیز در رکاب نواب
معزی الیه بوده اند در منزل در بند خان ریش سفیدان
ظایفه ساروق کلا با استقبال آمده در رسم اطاعت
و انقیاد معمول داشته اند چون منزل دیگر است

از آنجا اردو آب دوروزه برداشته یکشب را بر
بیابان منزل کرده روز دیگر وارد کوچم شده اند یکشب
از سوار ساروق بجهت آنها رخصت گزاری در منزل بیابان
که آب نبود دست پنجاه شتر آب بارودی نواب سرتیپ
رسانده اند اگر چه اهل اردو احتیاج بآب نداشته
ولی این خدمت از ظایفه منور مستحسن و مقبول خاطر نواب
معزی الیه آمده آنها را مورد التفات نموده اند و در
۱۰ رجب نواب شاهزاده با عا کر منصوره وارد
مرو شده اند و ایل ساروق نیز از قریب آب حسب الامر
تا حرکت کرده در حوالی مرو در کنار دریا فرود آمده اند
و کل مرو بیاد ریش سفیدان آنها خدمت نواب معزی الیه
آمده بخواهف اولیای دولت قاهره امید واری حاصل کرده
و نواب معزی الیه هر یک را فراخور حال خلعت داده و
موده اند بعد از سه روز که کل ایل از قریب حرکت و پنجاه
تخلیه نموده اند نواب معزی الیه حکم تخریب آنجا نموده آنجا
با خاک یکسان نموده اند و شتاد خانوار از معتبرین ایل ساروق
برسم گروهی بارود و کوچ چاییده مابقی را بجایهای خود
فرستاده اند و هم چنین ایل سالور نیز خدمت نواب شاهزاده
آمده مورد التفات شده اند و یکی از معتبرین ایل بیابان
نواب معزی الیه در میان خودشان حاکم نموده و حاکم
هزاره راهم در مرو بکجکوست برقرار و دره اشجان از
مرو مراجعت و شت روز در حوالی سرخس توقف نموده
و امورات سرخسی را مجدداً موافق و بخواد آنها انتظام داده
ریش سفیدان آنها را مورد التفات کرده اند و عالیجنابان
عبدالجبار خان فرستاده ظهیر الدوله را هم مطلع و مطلع گردانیده اند

۱۴۳۷

کتاب اسرار اباد

از قرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
 از اتهامات مقرب انخاقان محمد ولیخان بیکری یکی اسرار
 کمال امنیت و انتظام در آنجا حاصل است و احدی
 از نوکران ب غیره مصدر حرکتی خلاف حساب نیست و
 بشود و اگر احیاناً از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر
 شده باشد در مقام تنبیه و تادیب بر می آید از جمله
 دو نفر از غلامان ابوالجهمی عالیجا علیخان یوزباشی
 دور رس نام و بیان از بلوکات ما زنده در آن سرت
 کرده بودند عالیجا محمد جعفر خان بعد از استحضار آن
 غلام را تنبیه مضبوط نموده و با ویانهارا بدست
 سپرد است تا صاحبانشان پیدا شود

و یک نوشته اند که پیر قلیچ خان بموت بجهت عروسی
 با و بجهت بای رفته بود و در وقتی که با سواران مشغول
 اسب دوانی بوده است اسبش با اسبی دیگر بهم خورد
 مشارالیه از اسب افتاده و آن اسب دیگر از روی
 او گذشته از صدمه لگد اسب که بسینه او خورده فوراً
 هلاک گردیده است

و یک نوشته اند که درین اوقات باران زیاد با سربازان
 آمده و اغلب روزها در شهر و بلوکات بارندگی می شود
 و صحرا همه از و فور علف و گیاه سبز و خرم است از قریب
 نوشته اند که تسالی باین و خور بارندگی در آن ولایت
 شده بوده است

و یک نوشته اند که عالیجا میرزا علی مستقیم خان مشک
 فرج جدید قدر سکس با فرج خود در ششم ماه رمضان المبارک

وارد و دوی مقرب انخاقان محمد ولیخان گردید و عموم
 احاد و افراد فوج مزبور بنظر مقرب انخاقان مشارالیه
 در کمال ارسکی و انتظام بودند و هم در آن شب یک
 کومه که عبارت از انبار علف شد با آتش گرفته توشش
 سرایت بجایهای دیگر داشت ولی مردم چون بیدار
 بودند جمعیت نموده و آتش را زود خاموش کردند
 و نگذاشتند بجای دیگر سرایت کند

و یک از قرار یک نوشته اند و فو نعمت در ان ولایت حاصل
 و تسخیر اجناس آنجا درین اوقات از این قرار است

نمان بوزن بلده	یکم سیزده شاهی	ص
کندم یکخوار	دوازده هزار	۱۰۰۰
روغن یکمن	پنجاه	۰۰۰
گوشت یکمن	سی شاهی	۱۰۰۰
برنج یکخوار	دو تومان	۱۰۰
بیزم یکبار	دو عباسی	۰۰۰
نمک یکمن	صد دینار	۰۰۰
پنیر شور یکمن	سی شاهی	۱۰۰۰
ذغال یکبار	هزار دینار	۰۰۰
سرخ یکقطعه	پنجاه	۱۰۰
قد یکمن	دوازده هزار	۱۰۰۰
بنات یکمن	هیمده هزار	۱۰۰۰
تباکو یکمن	شش هزار	۰۰۰
شکر سنج یکمن	سه هزار	۰۰۰
پیه کلاخته یکمن	سه هزار	۰۰۰
یکمن	سه هزار	۰۰۰

فارس

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند کمال است
در آنجا حاضر است و نواب مستطاب شامزاده و
مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران فارس در رسیدگی
بامور ولایتی و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت
اقدام را دارند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان مهرعلینجان شیخ
در انجام خدمات دیوانی و وصول و ایصال ایات
کمال سعی و اهتمام را معمول میدارد و هم چنین سایر
دیوانی همه روز مشغول انجام خدمات محوله خود میباشند

دیگر در باب تعمیر نارنج قلعه شیراز نوشته بودند که بواجب
شامزاده تاکید نموده اند که بعد از ماه مبارک رمضان
مشغول تعمیرات آنجا شده با کمال خوبی و استحکام بیاورند

تعمیر اجناس فارس را که درین اوقات نوشته اند
از این قرار است

کندم	یکخوار	هفت تومان
جو	یکخوار	دو تومان و پنجاه
برنج	یکخوار	هفت تومان
روغن	یک من	دو ریال
شمع	یک من	سه هزار و یکصد
ذغال	یکخوار	یک تومان
بیمه	یکخوار	پنجاه
شیره	یک من	چهارصد

کرمانشاهان

از فرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودید
کاشانی فرانس خلوت نواب عماد الدوله شهباز
خواب بوده است شخصی کار در بکلوی او گذاشته بود
که سر او را بتر و قدری که بریده شده بود مشا را بیدار
کردید و قاتل فرار کرده بود مراتب نواب
عماد الدوله حکمران کرمانشاهان عرض شده در مقام
تحقیق و تجسس برآمده بودند معلوم شده بود که خواهر
مشا را بیه تخریک زن او که با هم رفیق بوده اند مرتکب
این عمل شده است فرستاده خواهر را زده او را که
عقبانی فرار کرده بوده است گرفته آورده اند بعد از
و اقرار زن و خواهر زاده او نواب محسنی الیه هر دو
تنبیه سزا نموده اند

از غرایب امور نوشته اند که در محله میدان عباسعلی
ضعیفه چهار طفل یک شکم را دیده و شوهر سیر شده
از او تحقیق کرده اند گفته است که سجده می کرد مردانه بود
بعد زمانه شده رفته بودم در آنجا حمل برداشته ام
اطفال مرگور نیز تا چهار ساعت زنده بوده اند بعد
هر چهار فوت شده اند

فوج کرندی را نوشته بودند که نواب شامزاده درگاه
مبارک رمضان با عالیجاه حیاتعلی خان احضار شهر
نموده مواجب آنها را هر چه فائده بود تا ما پرداخته
نموده اند

دیگر نوشته اند که قبل از ماه مبارک رمضان در تکیه

۱۴۳۹

بارندگی زیاد و کرمانشان شد و درین مدت دو
دفعه هم تکرک آمد و دفعه اول ضرر جزئی بیابغات و اشجار
از دلی دفعه ثانی تکرکی ورشت بقدر نصف بیضه مرغ آمد
و بعد چهار ساعت نیز آمد و یافته ضرب بسیار ازین
تکرک بیابغات انجا رسید

تعبیر اجناس کرمانشان را که نوشته بودند درین
اوقات از این قرار است

- کندم یکخوار دو ارده هزار
- جو یکخوار یک تومان
- برنج یک من ده شاهی
- روغن یک من دو هزار
- قد اصفهان یک من شهرار پانصد
- شکر یک من سه هزار و پانصد
- حزما یک من ده شاهی
- بر و جهر و

از هزاریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
هر طلعت بایون که بجهت نواب شاهزاده والای
احشام الدوله مرحمت و ارسال شده بود در نهم ماه
مبارک رمضان بانجا پر تو وصول افکنده نواب
معزنی الیه با تمامی چاکران دیوانی و اعیان و سایر
ولایت تابع شاه که محل خلعت پوشان است
باستقبال شایسته لوازم توقیر و احترام را معمول
داشتند و خلعت بایون را نیز برود و در
مفاخرت و مباحث خود ساخته بشهر مراجعت
شیک نوب بجهت احترام خلعت پادشاهی کرده و صرف

شریبت و شیرینی نموده اند
و یکروز نوشته اند که در این اوقات نواب مستطاب
شاهزاده احتشام الدوله نواب ایلام میرزا از لرستان
خواستند و نواب جلال الدین میرزا را که در برود
نایب الحکومه بود بحکومت لرستان برقرار و بپاک
با کفایت و استعدادی شایسته روانه لرستان
نموده اند و مالی لرستان نواب معزنی الیه را
نموده اند و کمال شغف و خورسندی از ناموریت او
داشته اند

و یکروز نوشته بودند که ماه ثور در برود و آن
بارانهای پی در پی آمد و کمال خورسندی و آسودگی
برای عموم مالی انجا حاصل گردید و بالفعل کندم خوار
چهارده هزار تا دو ارده هزار و او ان است و تمام
تعبیر حیوانات موفق قاعده متعارفه است

عربستان

از هزاریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
انجا از حسن مراقبت و اهتمامات نواب مستطاب
شاهزاده والای احتشام الدوله فرین نظام
بضبط است و چاکران و کارگذاران دیوانی نیز
در انجام خدمات محوله سجد کمال سعی و اهتمام را
و عدم مالی و سکنه انجا با نهایت امیدواری و
شکرگذاری مشغول کار و کسب و عیشتی خود و دعاگوئی
این دولت قوی گشته اند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۳ شهریور سال ۱۳۲۱

<p>منظومه دارالخلافه طهران قیمت اعلانات یکمتر الاچهارم یکمتر اولیا بیشتر با هر یکمتر</p>		<p>نزهت و سر قیمت روزنامه یک نسخه شش یکمتر است چهارمتر</p>
--	--	--

اخبار واحداثیات محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز و شب گذشته سرکار علیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای صفحات شمیران کردین بقریه متعلق بنواب محسن میرزا تشریف بردند از جانب نواب معزی لیس لوازم پیشکش و فرمانی و پای انداز تقدیم کردیده تا حوالی عصر در آنجا تشریف داشتند و نزدیک غروب آفتاب مبارک مبارکه سلطانی و مشرفیت عظمی بر آن فرمودند

امورات دارالخلافه طهران از هر جهت استقام کامل دارد و نهایت امنیت و وفور نعمت برای انالی این شهر حاصل است و از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده و اولاد آنجا اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع و اهلها ما مقرب انخافان میرزا موسی وزیر دارالخلافه خلافت حسانی اتفاق بی افتاد عا لبحاه محمود خان کلانتر و که خدایان محلات زیاده مراقب نظم شهر میباشد خصوصاً در ماه مبارک رمضان سعی و اهتمام تمام در ان نظام شهر و محلات نمودند که با وجود عبور در و در و گردش و ازدحام مردم در مساجد و میدان جدید و محلات از اهدی صدا بلند شده و خلافی ناشی و صادر نگردید و اگر حیوانات محلات چیزی سرق شود بیعتی و اهتمام کلانتر و که خدایان احوال مسروق پیدا و بصاحبش تسلیم و سارق دستگیر و محس نواب شاهزاده مجبوس شود از جهت یک دست سر براق در شب و آفتیش طلا که قریب پانصد تومان قیمت داشت با اسباب دیگر که نواب نصره الدوله فیروز میرزا بدار الخلافه فرستاده بود در خانه امیر آخور نواب معزی الیه بوده است

چون بعد از ماه مبارک رمضان هوای دارالخلافه طهران قدری گرم شده و سرکار علیحضرت شاهنشاهی بنوع عزمت توقف سیاق شمیران را فرموده اند در روز پنجشنبه تشریف فرمای نیاوران کردیده سه روز توقف در آنجا خواهند فرمود بعضی از خواص و مقربان حضرت که درون لبطت نیز طرتم رکاب هایون اند و جناب امیر آخور نواب معزی هم درین سه روزه که موکب هایون در نیاوران تشریف دارند بقریه آدران ملکی خود میروند که با آنجا رسیدگی نمایند

در مساجد و میدان جدید و محلات از اهدی صدا بلند شده و خلافی ناشی و صادر نگردید و اگر حیوانات محلات چیزی سرق شود بیعتی و اهتمام کلانتر و که خدایان احوال مسروق پیدا و بصاحبش تسلیم و سارق دستگیر و محس نواب شاهزاده مجبوس شود از جهت یک دست سر براق در شب و آفتیش طلا که قریب پانصد تومان قیمت داشت با اسباب دیگر که نواب نصره الدوله فیروز میرزا بدار الخلافه فرستاده بود در خانه امیر آخور نواب معزی الیه بوده است

۱۳۲۱

شارالیه در وسط روز و در باطاق را بسته بجهت مهمتی
 بیرون رفته بود و وقتی که مراجعت کرده در باطاق را
 کشود اسباب مزبوره را معلوم شد که سرقت کرده اند
 چون در محله سنگج این دزدی شده بود عالیجاه زکیخان
 خبردار کرده مشارالیه در مقام تفحص برآمده تا ساعت
 از شب گذشته دزد را بدست آورد و طلا آلات و اسباب
 دیگر هر چه بود بعینها از او استرداد و بصاحبش تسلیم کرد
 و سارق را حسب احکام نواب مستطاب بزرگوار و ابوال
 اردشیر میرزا مجوسس مؤدب تا بعد حکم آن بشود چون
 عالیجاه زکیخان در پیدا کردن سارق و اشیاء سرقت
 اتمام نموده و خدمات او در نظر جناب اشرف امجد افغان
 صدر اعظم مستحسن و مقبول افتاده بود و یک طاق شال ترم
 بسم خلع باو مرحمت گردید

از وقایع اتفاقیه در سیم سوال دو ساعت از روز
 گذشته هوا منقلب شده و در عدد برق نمود درین بین
 سیدی نظری بجهت خریدن خیار بصحرای دولاب رفته
 بود برق بر سر او زده فرود او را بجا چلاک کردید لکن
 جای برق که سر او زده بود بقدریک بند انگشت
 بیشتر عمق نداشته است

چون حسب الامر اقدس هایون مقرر گردیده است که
 محاسبات ولایات محروسه در دفترخانه مبارکه
 از جمله حساب اودیل بر و جرد و عربستان و غیره
 نواب مستطاب حشام الدوله خاطر میرزا را عالیجاه
 مقرب المحضه العلیه میرزا ریچ مستوفی و وکیل بر و جرد
 و عربستان و لرستان از جانب نواب معزنی الیه در

مبارکه در نزد جناب نظام الملک نجوبی پرداخته و
 کتابچه آنرا بعد از ملاحظه جناب اشرف امجد افغان
 صدر اعظم جناب نظام الملک نجاپای مبارک سرکار
 اقدس هایون شامشاهی عرض نموده خدمات توابع
 معزنی الیه در وصول و ایصال مالیات و رساندن
 وجوهات به برات داران دیوان مقبول و مستحسن خاطر
 افتاده نسبت بنواب معزنی الیه التفات زیاد فرمود
 و مراتب صداقت و راست فکری عالیجاه میرزا ریچ
 مشهود خاطر اقدس هایون گردیده بیکو ب جنبه ترم
 از جانب سنی ایچونب ملوکانه باو خلع مرحمت

چونکه در اوقات سواری سرکار اقدس هایون شامشاهی
 مقرر است که یکی از امنای دیوانخانه مبارکه در موکاب
 مطریم باشد که عرایض مردم را رسیدگی نموده بجا
 مبارکه عرض نماید و عالیجاه مقرب المحضه العلیه عباس
 سرتیپ که از امنای دیوانخانه مبارکه است اغلب اوقات
 مطریم رکاب هایون است لهذا از راه ظهور رحمت ملوکانه
 یک رئیس اسب از اصطفی مبارکه باو مرحمت گردید
 که در اوقات سواری مطریم رکاب هایون بوده عرایض
 مردم را رسیدگی نموده بجا پای مبارکه عرض نماید

عالیجاه میرزا محمد علی سرشته دار توپخانه مبارکه در انجام
 خدمات محوله بنحو اتمام کامل نموده بود لهذا خدمات او
 مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده و درین اوقات امنای
 دولت قاهره حسب الاشارة العلیه یکصد تومان بر بخوا
 سابق او افزودند که مایه دلگرمی او بوده مراتب صداقت
 و راست فکری خود را پیش از پیش مشهور رای اقدس هایون دارد

۱۴۴۳

چون رعایای شاهرود و بسطام از تعذبات حاجی سلطان
 حاکم آنجا بمرض اولیای دولت قاهره رسانند و اولیا
 دولت قاهره نیز تحقیق مراتب نموده تعذبات او را اولیا
 دولت علیه ثابت شد لهذا او را معزول و عالیجا عتبات
 سپان را که سابقا حاکم کاشان بوده مراسم مردم
 معلوم و مشهور اولیای دولت شده بود بحکومت آنجا
 منصوب فرمودند و خلعت نزر حتمشده درین روزها
 محل ماموریت خواهد شد

و هم چنین بنا بطور تعذبات ابراهیم خان حاکم کاشان
 او را از حکومت آنجا معزول و نظر براتب قابلیت لیا
 و شایستگی عالیجاه محمد حسن خان پیشخدمت بحکومت کاشان
 منصوب فرمودند و فرمان مایون صادر شد خلعت او
 مرحمت شده این روزها محل ماموریت روانه میشود

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
 نوشته بودند نواب شاهراده افرختم فرمانفرما
 خراسان این اوقات پانصد نفر سوار دیگر بمرو برآید
 محافظت و ساخطوی آنجا فرستاده اند

عربستان

از قراریکه در روزنامه محمده نوشته بودند در ماه گذشت
 شعبان نواب مستطاب شاهراده و الاتباء حاکم
 بجهت استحکام سده ناصری از دزفول حرکت و پانزده
 روز در سرتد مزبور توقف نموده حسب الامر نواب
 معزی الیه ناتمامی آنجا در کمال استحکام صورت انعام
 یافت بعد از فراغت از کار آنجا امورا عراب آن صفحا

انتظام کامل داده چهار روز نیز در راه او از توقف نموده
 و در اواسط ماه مزبور وارد شوشتر گردیده اند چون رعایای
 آنجا بواسطه کرانی فکله پریشانی داشته اند نواب معزی
 محض حصول دعای خیر بجهت ذات تقدس مایون شافقا
 هر چه مالیات از بدی دیوانی آنجا باقی مانده بود تخفیف
 مقرر داشته اند

عالیجاه شیخ فارس خان محاسبات ولایتی را در
 خدمت نواب احتشام الدوله از مالیات و غیره پرداخت
 و چون با صداقت و کفایت از عهده برآمده بود نواب
 معزی الیه او را مخلص و مخلص فاضله و امیدوار بخواه اطف و
 علیه ساخته بمقر حکومت خود مرخص و روانه نموده اند

و هم چنین بجهت شیخ حاکم خان برادر شیخ فارس خان
 که مصدر انجام خدمات دیوانی بوده و کمال ارادت
 نسبت باین دولت علیه ظاهر ساخته بود یک قصبه
 غلاف و کرک طلا فرستاده و نسبت باو القاب
 شایسته نموده اند و مشارالیه نیز در انجام خدمات دیوانی
 و وصول و ایصال مالیات و انتظام امر آن صفحا
 کمال دارد

دیگر در روزنامه محمده نوشته اند که مستر بیچ صاحب که از
 تجار تبعه دولت بهیه انگلیس است بقدر پانصد هزار گندم
 خوب از بغداد اقباع کرده به بصره آورده بود که بولایت
 چون موسم جهاز رانی گذشته بود گندم را فرستاد و در محمده
 فروختند و عالیجاه شیخ فارس خان بجهت سیورسات
 مامورین و نسیره خریدار فافه نکلی بجهت اهل محمده این
 مرحله حاصل شده بود

۱۴۴۳

اخبار دول خارجه

در روزنامه هندوستان نوشته بودند که تجارت تریاک در مملکت چین رواج خوب دارد و در شهر کانتان که محل اقامت و بندر دادوستد تجارت دول خارجه است تریاک تنها سندی سیصد و پنجاه دالار و تریاک بنا سس سیصد و پنجاه و دو دالار و مال مالو اچهار صد و شصت دالار و مال ترکستان چهار صد و پنجاه دالار بوده و بسیار هم بفروش رسیده است در سال گذشته چهار صد و پنجاه و هفت هزار تریاک مالو در سال انجا شده بود چون اهل چین تریاک زیاد مصرف می کنند و بطور استعمال تریاک در آنوقت اینگونه است که تریاک را غلیظ حل کرده و میل آهن باویز و سیر می راروشن کرده باینچه دو دالار مانند تون و تبا کومی کشند که مد هوش میشوند و می افتند و زیاد هم مایل استعمال آن است و همه کس از اعالی و ادانی مصرف می کنند لهذا از اطراف مالک روی زمین تریاک فراوان با نولایت می رود و دادوستد تریاک در ولایت چین عمده است و در بندر شنکالی چین هم تریاک مالو سیصد و پنجاه دالار الی سیصد و پنجاه دالار و مال پنجاه و شصت و پنجاه دالار بفروش میرفت دیگر نوشته بودند که ابریشمی که از چین بولایات دیگر ارسال می شد بسیار خوب رواج داشت در ماه دیسمبر چهار هزار و پانصد سته ابریشم بفروش رسیده بود و در سال گذشته تا آخر دیسمبر سی و دو هزار سته بفروش رفته بود و اکثر طالب ابریشم وسط تسلیم بوده اند و در این وقت

قیمت ابریشم در آنولایت ترقی داشته است چنانچه ابریشم اعلی سته سیصد و سی دالار و از آن قدیمی دولت و معتاد دالار الی دولت و معتاد و پنجاه دالار و ابریشم وسط دولت و چین و پنجاه دالار الی دولت شصت و پنجاه دالار و ابریشم پست تر از همه از دولت و دولت دالار الی دولت و سی و پنجاه دالار و ادنی یکصد و شصت دالار الی دولت و پانزده دالار و ابریشم تر و در دولت و شصت دالار الی دولت و شصت و پنجاه دالار بود و دالار پول رواج آنولایت است که هر یکصد دالار سیصد و سی و دو روپیه هندوستان دادوستد میشود دیگر نوشته بودند که پنجه زیاد به بندر امالی چین از بنکاله بمبئی و مدرس می رود و در آنجا خوب بفروش میرسد و دادوستد جای نیز در آنجا بسیار میشود و برنج نیز در آنجا خوب و فراوان بعجل می آید و از هر گونه تجارت در آنجا خوب میشود

دیگر نوشته اند که نواب کورنر بهادری بمبئی مجلس اجلاس مستمنعده نموده بود در باب تخراجی که فرمانفرمای هندوستان بقرض خواسته است مبلغ این خواه دو کرو روپیه و معتاد و پنجاه لک روپیه است پنجاه لک از از بمبئی خواسته است و مابقی از سایر محاکم هندوستان و کورنر بهادری حکمران ممبوری بمبئی درین خصوص مجلس مستمنعده نموده بوده است که پنجاه لک روپیه را تدارک نموده پنجه فرمانفرمای هندوستان بفرستد

و احتیاج به باروت ندارد کلوله آن مثل کلوله تفنگی است
 که در انگلیس رایفل می نامند و فوجی که بان تفنگها مسلح باشند
 فوج رایفل میگویند و از غرایب اختراع این شخص کی است
 که از تفنگ مزبور در هر ثانیه یک تیر خالی میشود که در هر
 دقیقه شصت کلوله بیرون می رود و یکبار فوت الی دو بار
 فوت که عبارت از دو هزار قدم باشد میدان کلوله آن
 با بجه بسیار مرغوب و مطبوع طبایع افتاده و تا حال
 اختراعی کسی نگردیده است و در جنگ بسیار بجاری است

دیگر نوشته اند که دختری خواننده از انگلیس که در فنون
 لغات ماهر و مشهور است در کلکته بیازمیر خانها میرود
 و بازی و خوانندگی می کند و مردم که تماشا جمع میشوند
 پول زیاده و باو میدهند از جمله در یک شب دو هزار پانصد
 روپیه برای او در تماشاخانه جمع شده بود پانصد روپیه
 از آنچه چراغان و سایر اخراجات تماشاخانه مجموع
 داشته و دو هزار روپیه دیگر را برای اخراجات زنان
 بیوه و اطفال یتیم فسون انگلیس که در جنگها کشته شده اند
 داده است

در روزنامه نوشته اند که در این اوقات اعلیحضرت
 امپراطور استریه قدغن کرده است که رسم سیاسی
 که در آن نقصان عضوی از اعضای انسانی باشد در
 دولت استریه موقوف و متروک باشد و بعد از این
 کسیر با نظورشق و سیاست بخند

منجی در رگه برلین در چهاردهم جنوری قریب وقت سحر در طرف
 آسمان در حوالی برج عقرب ستاره دو ذویه دیده است

از فراری که در روزنامه احسن الاخبار ممبئی نوشته بود
 از رانی کج مندوستان تا کلکته که بقدر یکصد و بیست
 فرسخ مسافت است راه آهن بجه ترزد کالکته که بخار
 ساخته و با تمام رسانده اند و با لفظ کالکته بخار از
 سر تا سر آن راه عبور میکند و بجه اهل مندوستان
 از بمرحله رفاه کلی حاصل گردیده است

دیگر نوشته بودند که در دلی و مرهه و اگره در روز
 بیستم ماه مارچ قریب بظهر زلزله شدیدی شد
 و لیکن چندان خرابی بجائی نرسیده است

و چشمین از سمت فرنگستان نیز خبر رسیده بود که در
 شهر کاتبه زلزله بسیار شدیدی شده و کوه سوزیده
 آینه که در سینیلیاست ترکیده و خراب شده است
 در ایام قدیم نیز یک وقتی از کوه منبورسک و فلزات
 جاری شده بقدر سه فرسخ عرض و پانزده فرسخ طول
 تا دریا سر تا سر آن زمین را فرو گرفته بعضی دماغت معتبر را
 بجای خراب کرده و بعضی دماغت دیگر را کم و بیش خرابی
 و چشمه های آب کوارا که در آن راه بود بعد از جاری شدن
 فلزات و سنگ که اخته از روی آنها همه خشکیدند و پستان
 و حیوانات زیاد تلف شده بودند بعد از آن جریان
 فلز و سنگ که اخته موقوف شده بود ولی دو دو
 علی الدوام از بالای آن کوه سرنی میشد تا درین اوقات
 که دو بار ترکیده و خراب شده است

نوشته بودند که یکی از تفنگ سازان اختراع تازه
 تفنگ کرده است که تفنگ را بصاعقه خالی می کند

۱۴۴۵

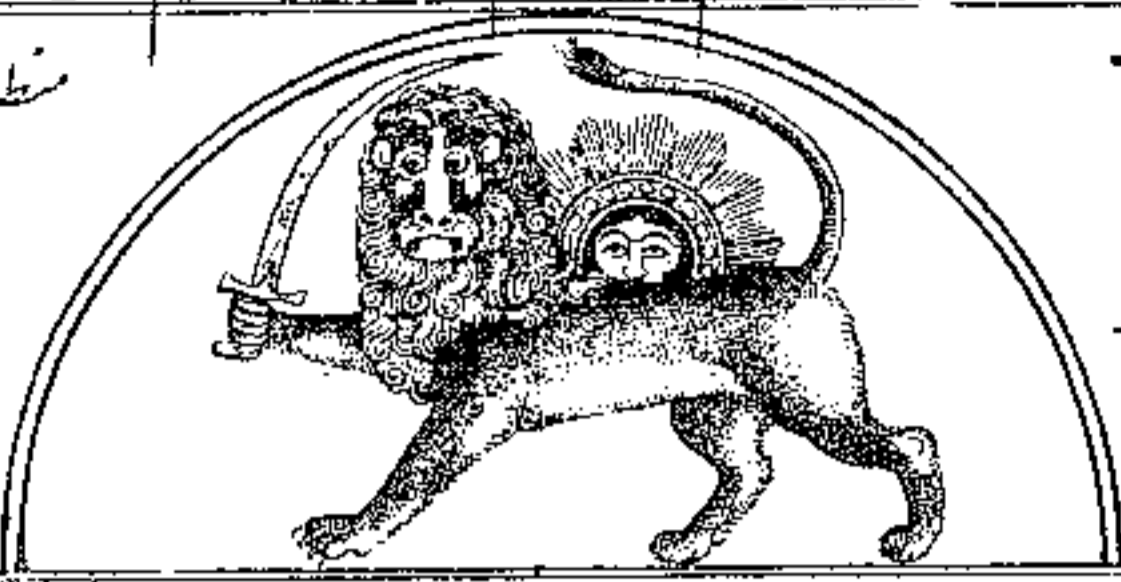
در خصوص سیم چرخ آتشی که بجهت فرستادن پیام از
 شهر بشرو و ولایت بولایت در اغلب دول فرنگستان
 براه انداخته اند درین اوقات دولت انگلیس این اسباب
 در هندوستان نیز براه انداخته و در روزنامه بیستی
 داک صاعقه بنویسند و نوشته اند که این کار امریست
 غریب و مستغنی است عجیب و عجب تر اینکه صنعتی دیگر
 در داک صاعقه بکار برده اند که عقل عقلا بهیچ وجه نتواند
 پی ببرد و آنرا دریافت نماید و آن این است که دو
 جزیره از دو جهت مخالف در یک سیم بیک دفعه
 میفرستند و اکثر اشانی بزرگ کارخانجات داک
 صاعقه واقع در هندوستان استهاری برای
 و اطلاع مباشرین داک صاعقه هر ملک و دیار میدهند
 که نمایان باشد و داک مزبور در هر جا که باشند
 پیش از آنکه عن شدید و تا که داک است که پیغامهای
 داک را که در باب معامله تجارت است تا دو دقیقه
 نگذرد و اجرت آنرا دو برابره نهند پیغام را بصاحبش
 فرستند و عدد الفاظی که در پیغام است از اینجا حساب
 نمایند که شروع بطلب میشود و اسم شخص و سن و
 منصب او و تاریخ نیز از جمله آن است و نقطه را که در
 انفصال مطلبی میکند آنرا نیز یک لفظ حساب می
 و حرف تنها را نیز اگر از چهار زیاد تر نباشد یک
 کلمه حساب نمایند و لفظی را که در پیغام می نویسند که آن
 مشتمل بر چند لفظ است اجرت آنرا سخاوتند گرفت یا آن
 اجرت آن را پیش داده نیز بی اجرت است زیرا که این
 دو لفظ برای سسانی در یافت مباشر کارخانه میباشد

و ضرورتی برای فرستنده خبر ندارد و طریق فرستادن
 خبر این است از (در اینجا باید اسم تاریخ و جارا و
 مثالش از کلکته مورخه اول فروری) از (در اینجا باید
 اسم و خطاب شخص را نوشت مثالش از جان اسمیت
 به (اسم جارا نویسند مثالش بیستی) برای (اسم
 شخص را بنویسند مثالش برای ستر منری جو نرو اجرت
 الفاظ میبکی داده شد مثال پیغام این پیغام است و
 لفظ است از کلکته اول فروری از جان اسمیت
 جمله کلمه بیستی به منری جو نرو لفظ پول بیت و سه لفظ
 میبکی داده برات شما رسید و قبول هم کرده شد
 چنانکه پول این بیت و سه لفظ را میگیرند و برای چهار لفظ
 که این پیغام مشتمل بر بیت و سه کلمه است نمیگیرند و موافق
 سیزدهم هر پیغام تجارتی و یا معامله که مشتمل باشد بر نرخ بازار و
 قیمت اجناس و غیره و بخصوص صرافی و اجناس و جواهرات و خبر
 کردن و بیره نمودن و غیره آن پیغام را باید دو بار تکرار کرد و
 برابره پول داد و در صورت بعد از لفظ میبکی داده بنویسند و
 اجرت داده و دو باره گفته و برای این الفاظ نیز پولی نخواهند گرفت و
 کرده میشود نمایانرا که پس از رسیدن این حکم اگر اجناس تجارتی یا معام
 ل در پول دو برابر بگیرند و بنویسند نصفه و یک آنرا از نمایانرا آنها خواهد
 گاست و نمایان سو پرتیقت کلکته و مدرسی سستی را اجناس میدهند که
 مزبوره در آن ملکی که با اختیارشان است جاری نمایند و سستی را
 حکم است که اگر نمایان اطاعت حکم مزبوره را نمایند یا فراموش
 کنند آن وجه معین را که ذکر شده از نمایانرا آنها کم نمایند
 صح اشانی مباشر داک صاعقه هندوستان مورخه ۱۲
 فروری از اگره

۱۴۴۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۱

مذبح و یک
قیمت روزنامه
یک نسخه



منطیبه و از اخلاص طهران
قیمت اعلانات
یکسره ایچهارسطرکهرزاد
بیشتر بهر خط

اخبار و احادیث مالک محروسه پادشاهی

وار اخلاص طهران

اعلیحضرت اقدس هایون شاهی که بنیوان
تشریف برده بودند چهارشب در اینجا توقف فرمودند
و در روز یکشنبه شانزدهم اینماه بارک مبارک
سلطانی و مقربان عظمی مراجعت فرمودند و
میں طالع شیر و زمی مطالع و میمنت قدوم و محبت لزوم
شاهی در روز و در موبک هایون هوای و اخلاص
طهران نسبت بچند روز قبل تفاوت کرده خنک و جو
گردید و جناب امجدشرف افخم صدر اعظم نیز که تیر
سدرابا و ملکی خود رفته بودند نیم ساعت قبل از ورود
موبک هایون به دار اخلاص مبارک آمده در خلوت گریه
مظهور و و اعلیحضرت شاهی بودند و اینجا شهاب
حضور هر طور گردیدند

و روس سفیری از جانب سنی اجواب بیون بدو
اندولت بهیته مانور شود که مراتب اندوه و جور و طالت
و سرور خاطر مرحمت مظاہر اقدس را در انجمن حضور
اقاب ظهور اعلیحضرت امیر اطوری بفرصت شود و برو
اور و لهذا جناب عمده الامراء العظام مقرب انخافان
سیف الملک عباسقلی خان میرنجه را که از اجده حاکم
دولت و مقربان اعیان علیت حضرت و قدیمی
سلطنت قوی شوکت است بعد از ظهور مرحوم طوکان
از اعطای القاب و منصب و نشان و حامیل میرنجه کی
و خلعت و شیره و کمر مرصع و دیگر رحمتهای شایان گویان
بر تبه ایچی گری کبیر بانامه هر علامه بدر بار آند دولت
بهیته مانور فرمودند و تا بیت و مهمت شهر شوال حسب
روانه مقصد خواهد شد و همچنین عالیجاه مقرب انخافان
قاسم خان که سابقا بر تبه کار پردازی اول دولت
علیه متوقف تظنیس و حسب الامر بر کاب بیون احضار
شده بود چون خدمات او کلاً منظور نظر اقدس بود
گردیده بود دستاری سفارت گبری با جناب سبب غیر
معاصمه است

۱۴۴۷